

گامی واقعی به سوی وحدت اسلامی

ترجمہی کتاب:

نحو وحدة إسلامية حقيقية

تأليف:

دکتر طه دلیمی

عنوان کتاب:

گامی واقعی به سوی وحدت اسلامی

عنوان اصلی:

نحو وحدة إسلامية حقيقية

تأليف:

دکتر طه دلیمی

موضوع:

عقاید کلام - اسلام و علوم و عقاید جدید، تجدید حیات فکری...

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب..... ۱
- مقدمه ۱
- پرسش‌هایی پیش از آغاز کتاب ۳
- باز از خود چیزهایی دیگر پرسیدم ۴
- فصل اول: آیهی اسراء:** ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى عَسْقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: ۷۸]. ۷
- نقطه مبدا: مرجع قرآن است ۹
- محکم و متشابه ۹
- مورد مشتبه در آیهی سوره اسراء ۱۱
- آیه وقت را تعیین کرده است اما تعداد را تعیین نکرده است ۱۳
- موعظه ۱۵
- آیه دلیل این است که هر نماز تنها خوانده شود نه این که نمازها جمع گردد ۱۶
- رسول خدا بهترین مفسر قرآن ۱۹
- پیامبر ﷺ در پنج وقت جدا از هم نماز خوانده است ۲۰
- خواندن هر نماز در وقت آن به اتفاق همه بهتر است ۲۱

کار مباح اگر به افتادن در ورطه‌ی حرام منجر شود حرام است.. ۲۳

فصل دوم: اوقات پنجگانه در قرآن کریم ۲۵

اوقات پنجگانه در قرآن کریم ۲۷

نام‌های نماز در قرآن ۳۰

نماز صبح و ظهر - عصر - مغرب و عشاء ۳۳

نماز عصر همراه با نماز صبح ذکر شده است ۳۴

و قبل از غروب ۳۶

تخصیص وقت عصر و صبح به قسم ۳۷

وقت (عشی) یعنی وقت عصر ۳۷

خداوند پیامبران را به خواندن نماز صبح و عصر فرمان می‌دهد ۳۸

قرآن بیان می‌کند که مقصود از عشی چیست ۳۹

وقت نماز عشاء ۴۰

آیه‌ی استئذان ۴۱

و در ساعتی از شب ۴۳

فصل سوم: رسول خدا ﷺ و تعیین اوقات نماز ۴۴

رسول الله ﷺ و تعیین اوقات ۴۵

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و تعیین اوقات نماز ۴۹

علت اینکه پیامبر نمازها را به صورت جمع خواند ۵۳

فصل چهارم: حقیقت قضیه بر اساس منابع ما (آنچه که از اهل بیت

وارد شده است) ۵۵

حقیقت قضیه بر اساس منابع ما ۵۷

- ۵۷ سید محمد یاسری نجفی
- ۶۵ دیدگاه ائمه در مورد کسی که نماز مغرب را با تأخیر می خواند...
- ۶۵ جمع بین نمازها به خاطر عذر
- ۶۹ جمع کردن نمازها در منابع اهل سنت
- ۷۱ جواب حدیث ابن عباس رضی الله عنهما
- ۷۲ جمع صوری
- ۷۷ حدیث جبرئیل در مورد اوقات مورد اتفاق
- ۸۱ برگردیم به آغاز بحث

مقدمه

الحمد لله وكفى والصلاة والسلام على نبينا المصطفى وعباده الذين اصطفى.

وبعد:

بدرستی روشن و واضح است که نماز مطلقاً بزرگترین رکن عملی دین است. آری نماز، نمازی که هر کسی آن را برپا دارد دین را برپا داشته است و هر کسی آن را ضایع نماید دین را نابود و ضایع کرده است، چون در روایت صحیح از پیامبر نقل شده که نماز ستون دین است. و خداوند به برپاداشتن و محافظت نماز امر کرده، چنان که می‌فرماید: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸].

«بر تمام نمازها و به‌ویژه نماز عصر، پایبند باشید و خاشعانه در پیشگاه الله (به عبادت) بایستید».

و همچنین پیامبر ﷺ به برپایی و محافظت از نماز امر کرده است. از جمله برپاداشتن نماز و محافظت بر آن این است که نماز در اوقات خود خوانده شود. از این رو باید اوقات نماز را دانست.

کتابی که پیش روی دارید مطالبی علمی و مختصر و جامع است که در پرتو قرآن و سنت اوقات نماز را تعیین و تبیین می‌نماید.

این کتاب را با استناد به روایت‌های سنی و شیعه نگاشته‌ام تا روشن شود که در این منابع امور زیادی هست که می‌توان از آن استناد کرد و در چنین امور مهمی متحد و هماهنگ بود. از این رو مبحث ارزشمندی از محمد یاسر اسکندری نجفی به آن افزوده‌ام که ایشان آن مطلب را با استناد به منابع شیعی که از ائمه‌ی اهل بیت روایت می‌کند نوشته است.

این کوشش برای آن است تا قضیه‌ی مهم نماز برای همگان واضح و روشن گردد.

از خداوند می‌خواهم که دل‌هایمان را برحق متحد گرداند و راه رسیدن به حق را برای ما آسان نماید. بیگمان او شنوای نزدیک است.

مؤلف

پرسش‌هایی پیش از آغاز کتاب

من در محیطی بزرگ شدم که از بعضی مساجد آن روزی سه بار صدای اذان و از بعضی روزی پنج بار صدای اذان شنیده می‌شد. این اختلاف من را به فکر فرو می‌برد، و برای من پرسش‌هایی پیش می‌آمد:

مگر نمازها پنج تا نیست؟

مگر نه اینکه هر نمازی وقتی ندارد؟

مگر نه اینکه هر نمازی بنا بر وقت آن نام گذاری شده است؟

آیا این اوقات در زمان نزول قرآن مشخص نبوده، مگر هر وقتی تعریف مشخصی ندارد که با وقت دیگری فرق می‌کند؟ یا اینکه عرب‌هایی که قرآن به زبان‌شان نازل شده است بدون توجه به وقت آن‌ها را نام گذاری کرده‌اند؟

یا اینکه بعضی از اوقات با بعضی دیگر یکی است؟ اگر اوقات با یکدیگر فرق نمی‌کند و هر یک معلوم نیست چرا نام‌ها فرق می‌کند؟

به خصوص که اذان و نماز نشانه‌ی بزرگی از نشانه‌های وحدت و همدلی است، و اختلاف ما در آن قطعاً به تفرقه می‌انجامد. و ما با صدای بلند از شیعه سوال می‌کنیم: آیا کسی که پنج نماز را در پنج وقت جداگانه بخواند نمازش باطل است؟

پاسخ: هرگز نه، بلکه نمازش به اتفاق شیعه و سنی صحیح است. پس روشن می‌شود که جمع کردن نمازها شرط و لازم نیست.

پس آیا عقلاً و شرعاً جایز است که وحدت و اتحاد را که از بزرگترین واجبات است، قربانی چیزی کنیم که نهایت آن این است که مباح و جایز

است؟! اکتفا به سه وقت در نماز کمترین چیزی که در آن وجود دارد این است که مسلمان در مورد صحت ادای بزرگترین وظیفه‌ی دینی شک می‌نماید. اما خواندن نماز در اوقات پنجگانه‌اش این شک را از بین می‌برد و به انسان اطمینان و آرامش می‌دهد.

باز از خود چیزهایی دیگر پرسیدم

پیامبر ﷺ روزی چند بار نماز می‌خواند؟

در مسجد پیامبر ﷺ روزی چند بار اذان گفته می‌شد؟

در کوفه در مسجد امیرالمؤمنین روزی چند بار اذان گفته می‌شد، و در مساجد حکومت علی و خلفای راشدین ﷺ روزی چند بار اذان گفته می‌شد؟ پاسخی که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند این است که آنان روزی پنج بار در پنج وقت جدا از هم اذان می‌گفتند و پنج بار نماز می‌خواندند. به جز آنکه در بعضی حالت‌ها مانند سفر و بیماری و جنگ پنج وقت را در سه وقت می‌خواندند.

آیا حالت عذر می‌تواند به ما اجازه دهد که همیشه و بدون عذر در مساجد، ما روزی سه بار نماز بخوانیم؟

مساجد ثابت‌اند و منتقل نمی‌شوند و مردمی که اطراف مسجد هستند مقیم‌اند و در جنگ نیستند، پس چرا کاری می‌کنیم که پیامبر و علی نکرده‌اند؟!؟

تمام آنچه در پاسخ به این پرسش می‌شنوم یک آیه‌ی قرآنی است و آن اینکه خداوند می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَىٰ عَسْقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: ۷۸] «از زوال خورشید تا

تاریکی شب نماز را برپا دار و نماز صبح را به جای آور. بی‌گمان خواندن نماز صبح با حضور فرشتگان است.»

از این آیه اینگونه استدلال می‌شود که اوقاتی که در این آیه ذکر شده‌اند سه تا هستند ظهر و هنگام شب (عشاء) و صبح.

اما وقتی به کار و عمل پیامبر ﷺ بنگریم ایشان آیه‌ی مذکور را اینگونه تفسیر نکرده‌اند، و اگر آیه اوقات نماز را سه وقت تعیین می‌کرد، پیامبر آن را پنج وقت قرار نمی‌داد، چون ایشان با دینی آسان و با گذشت مبعوث شده است و همواره برای تحقق این مفاهیم می‌کوشید. پس در تفسیر و توضیح مقصود قرآن عمل پیامبر ﷺ حجت است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴] «و قرآن را بر تو نازل کردیم تا شریعتی را که به سوی‌شان نازل شده، برای‌شان بیان کنی و برای اینکه بیندیشند.»

عمل رسول الله مقصودی را که خداوند در قرآن داشته بیان می‌کند. و ما موظف هستیم از پیامبر ﷺ پیروی کنیم، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱] «بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. و الله، آمرزنده‌ی مهربان است.»

و پیامبر ﷺ به ما امر نموده که (نماز را به گونه‌ای بخوانید که من می‌خوانم)^(۱).

پس هرگاه خداوند فرمانی دهد و پیامبر ﷺ آن فرمان را به صورت مشخص اجرا کند، آن صورت مشخص بیان و تفسیر آن فرمان است. پس معقول نیست که گفته شود مقصود خداوند در آیه‌ی مذکور نماز خواندن در سه وقت است و پیامبر پنج وقت خوانده است، سپس خواست خداوند بود که با لطف خویش مرا هدایت نماید، و به من آسایش خاطر دهد و قضیه از خود قرآن برایم روشن شود، چون در قرآن آیات زیاد دیگری هست که اوقات نماز در آن بیان شده است.

فصل اول:

آیهی اسراء: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى

غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ

مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ [الإسراء: ٧٨].

نقطه مبدا: مرجع قرآن است

همه بر این اتفاق نظر دارند که در هر اختلافی قرآن مرجع و فیصل دهنده است، و آنچه با قرآن مخالف باشد مردود است. پس از آغاز به قرآن مراجعه کنیم و خود را از زحمت اختلاف و جدال راحت کنیم.

قرآن در تعیین اوقات نماز در آیات زیادی سخن گفته، ما باید همه این آیات را در کنار هم قرار داده و آن را مورد بررسی قرار دهیم، و این کار را در علم اصول: جمع بین اطراف ادله، می‌نامند. وقتی چنین کنیم مقصود برای ما کاملاً واضح و روشن می‌گردد. اما بسیاری این قاعده را به فراموشی سپرده‌اند و از آیات زیادی که در مورد اوقات آمده فقط به یک آیه بسنده نموده و به گونه‌ای آن را تفسیر می‌نمایند که آن را از مفهوم اصلی‌اش بیرون می‌آورد و با دیگر آیاتی که در همین موضوع آمده‌اند متضاد قرار می‌دهد که اینگونه شنونده‌ی ساده‌لوح و یا کسی که فرصت تدبر در قرآن را نیافته به راحتی این تفسیر را می‌پذیرد. اما اسلوب علمی منصفانه این را می‌طلبد که دلایل مختلف یک موضوع در کنار هم قرار داده بشود، و گرنه ما در دام (پیروی از متشابه) خواهیم افتاد.

محکم و متشابه

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ [آل عمران: 7] «او، ذاتی است که قرآن را بر تو نازل

کرد؛ بخشی از آیاتش، آیات روشن و مشخصی هستند که اصل و اساس این کتاباند».

یعنی این آیات محکمت به هنگام اختلاف مرجع هستند، چون احتمال و اشتباه در آن نمی‌رود.

﴿وَأَخْرَجْنَا مَثَلَهُمْ﴾ یعنی آیات دیگری هست که در آن احتمال چند چیز وجود دارد. پس اگر آیه‌ای مشتبه بود و احتمال چند مفهوم را داشت، نباید بدون مراجعه به آیه‌ی محکم که دقیق تعیین می‌کند که از این وجوه کدامیک مقصود است، مرجع دلالت بر یکی از آن احتمالات قرار بگیرد. و گرنه کسی که چنین می‌کند از زمره کسانی است که خداوند در باره‌ی آنان فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷] «کسانی که در دل‌هایشان کجی (و میل به باطل) وجود دارد، برای فتنه‌انگیزی و تأویل (نادرست) آیات، در پی آیات متشابه بر می‌آیند».

پس هر کسی از متشابه پیروی کرد و بدون در نظرگرفتن محکم به متشابه استناد کرد، از گمراهان است. چون وقتی آیه‌ی متشابه از محکم جدا مورد بررسی قرار داده شود نمی‌توان مفهوم و مقصود آن را به طور یقینی مشخص نمود و قرآن هم به همین اشاره می‌نماید که بعد از ذکر متشابه می‌گوید: ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ [آل عمران: ۷] اما کسانی که در آیه‌ی متشابه توقف نمایند از راسخان در علم هستند که قرآن در مورد آنان گفته است: ﴿وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّا بِهِ ءَكُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۷] «و دانشمندان توانا و خیره

می‌گویند: ما به آن ایمان داریم؛ همگی از سوی پروردگاران است. و تنها خردمندان پند می‌گیرند».

اما گمراهان قضیه را برعکس می‌نمایند، در آیات محکم توقف می‌نمایند و می‌کوشند آن را پنهان کنند و از آن استدلال نمی‌کنند، چون آیات محکم برای‌شان نمی‌تواند دلیلی باشد، و بلکه دلیل‌شان آیات محتمل و متشابه است که می‌توانند از آن سوء استفاده نموده و به دلخواه خود آن را تأویل کنند، از این رو همیشه و خیلی زیاد آیات محتمل را مطرح می‌کنند. و تفصیل این موضوع جای دیگری دارد، برمی‌گردیم به آیه مبارکه.

مورد مشتبه در آیه‌ی سوره‌ی اسراء

مورد مشتبه در آیه حرف جر (إلی) است که آن را به معنی حرف عطف (واو) تفسیر کرده‌اند، در صورتی که این دو حرف هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنی متفاوتند.

(الی) حرف جرّ است و به وسیله‌ی آن غایت و انتهای آن شناخته می‌شود. چنانکه گفته می‌شود: «داومت فی الإدارة من الیوم الأول فی الشهر إلی الیوم الثلاثین».

(از روز اول تا روز سی‌ام ماه در اداره کار کردم).

تعبیر با کلمه‌ی (الی) این را می‌رساند که شما روزهای زیادی مداومت کرده‌اید نه فقط دو روز.

اما وقتی بگوییم: «داومت الیوم الأول والیوم الثلاثین» و به جای (إلی) (واو) حرف عطف را قرار دهی، معنی کاملاً تغییر می‌یابد و این را می‌رساند که شما فقط دو روز مداومت کرده‌اید، آن هم روز اول و سی‌ام. در صورتی که در مثال اول روزهای مداومت بر کار بیش از دو روز است، با اینکه عبارت

شمار ایام را تعیین نکرده و بلکه فقط وقتی را که در آن مداومت شده از آغاز تا پایان مشخص نموده است. اما شمار ایام از روز اول شروع می‌شود و پایان آن روز سی‌ام است، و برای تعیین دقیق باید به نظام اداری که بر اساس آن کارمند روزهای کار و روزهای تعطیلی را می‌داند مراجعه کرد.

اگر نظام کاری یک روز در میان است تعداد روزها پانزده روز می‌شود، و اگر همه روزه است به جز روزهای جمعه تعداد روزها تقریباً بیست و شش روز می‌شود.. به همین صورت.

و گفته می‌شود: «الدوام فی المدرسة الساعة الثامنة صباحاً إلى الساعة الواحدة ظهراً» زمان بودن در مدرسه از ساعت هشت صبح تا یک ظهر است. این عبارت تعداد درس‌هایی را که از ساعت هشت تا یک ظهر هست بیان نکرده و بلکه فقط وقتی را که درس‌ها در آن داده می‌شود از آغاز تا پایان مشخص کرده است. و برای شناخت تعداد درس‌ها باید به دلیلی دیگر مراجعه کرد.

اکنون با به خاطر سپردن این مطلب با توجه به مثال‌های فوق و در نظر داشتن اینکه در آیه حرف جر یعنی (الی) آمده نه حرف عطف (واو)، دوباره آیه را بخوان، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ [الإسراء: ۷۸] «از زوال خورشید تا تاریکی شب نماز را برپا دار».

و نگفته «وغسق الليل». تفاوت این دو عبارت مانند تفاوت «داومت اليوم الأول واليوم الثلاثين» با «داومت اليوم الأول إلى اليوم الثلاثين» است. پس اگر خداوند متعال بگوید: «أقم الصلوة لدلوك الشمس وغسق الليل» آنگاه یعنی اینکه نماز در ظهر و عشاء برپا شود، اما خداوند می‌فرماید: «إلى غسق الليل»

یعنی اقامه‌ی نماز از ظهر آغاز می‌شود و تا تاریکی شب هنگام عشاء ادامه دارد. و از زوال خورشید تا تاریکی شب بر اساس نظام نماز در اسلام که با توجه به نصوص دیگر آن را شناخته‌ایم چهار نماز قرار دارد.

آیه وقت را تعیین کرده است اما تعداد را تعیین نکرده است

ترکیب لفظی آیه بر تعداد اوقات دلالت نمی‌کند و بلکه آغاز و انتهای وقت کلی را تعیین می‌کند. و آنچه تعداد اوقات نماز را از زوال خورشید تا تاریکی شب تعیین کرد و چهارتا قرار داده نصوصی دیگر از قرآن و سنت می‌باشد. و اگر این نصوص تعداد را کمتر یا بیشتر می‌کرد آیه احتمال آن را داشت.

آیه‌ی کریمه این احتمال را دارد که نمازی که از زوال خورشید تا تاریکی شب خوانده می‌شود به عنوان مثال در هر ساعت باشد یا رأس هر دو ساعت، اما اگر نصوص شرعی چنین امری می‌کرد، آیه‌ی ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ به راحتی بر هر دو مفهوم دلالت می‌کند. اما از آن جا که نصوص شرعی می‌گوید نمازها در بین این دو وقت چهارتا است، ما می‌گوئیم: در بین این دو وقت چهار نماز قرار دارد. می‌ماند وقت پنجم که در آیه مشخص شده ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ «و نماز صبح را به جای آور؛ بی‌گمان خواندن نماز صبح مشهود (فرشتگان شب و روز) است».

در اینجا با حرف عطف (واو) تعبیر شده نه با حرف جر (الی).

چرا هر دو تعبیر متفاوتند؟

تعبیر با حرف عطف (واو) بر این دلالت می‌کند که وقت معطوف یک وقت است نه بیشتر یعنی بین عشاء تا صبح دیگر نمازی نیست، چون اگر می‌گفت: «إِلَىٰ قرآن الفجر» کلمه بر این دلالت می‌کرد که نمازهای فرضی

بین عشاء و صبح باشد، اما چون بین عشاء و صبح دیگر نماز فرضی نیست، با حرف عطف (واو) تعبیر کرد و گفت: «وَقْرَأَانَ الْفَجْرِ» و نگفت: «إِلَى قْرَأَانَ الْفَجْرِ» پس روشن شد که فقط یک نماز صبح باقی است.

به همین دلیل در مرحله‌ی اول حرف جر (إِلَى) را آورد و در مرحله‌ی دوم حرف عطف (واو) را ذکر نمود.

پس آیه تعداد را مشخص نکرده و فقط وقتی را مشخص کرده که در آن وقت نمازها برپا می‌شود، آیه فقط آغاز و پایان آن وقت را تعیین کرده است و فرق تعیین عدد و تعیین وقت واضح است.

و در منابع معتبر شیعه روایاتی آمده که این مفهوم را تأیید می‌کند، چنانکه قمی از ابوجعفر روایت می‌کند که گفت: از زوال خورشید تا تاریکی شب چهار نماز قرار دارد که خداوند آن نمازها را نام برده وقت‌شان را تعیین کرده است، و (عسق اللیل) یعنی نیمه‌ی شب، سپس گفت: ﴿وَقْرَأَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ این می‌شود پنجم، و در این مورد می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ﴾ دو طرف روز مغرب و صبح است ﴿وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ﴾ نماز عشاء است^(۱).

پس هر کسی آیه را دلیلی بر تعداد نمازها قرار داده و به مقتضای آن می‌گوید که نمازها سه تا هستند قضیه برایش مشتبه شده و به خطا رفته است. و باید دلیل شبهه و دلیل حق برایش بیان شود، اگر بعد از روشن شدن قضیه باز هم اصرار ورزید او از متشابه پیروی کرده است. و چنین کسانی اهل زیع و گمراهی هستند، خداوند ما و شما را نجات دهد. ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ ﴿۸﴾ [آل

عمران: ۸] « پروردگارا! پس از آنکه ما را هدایت نمودی، دل‌هایمان را منحرف مگردان و از جانب خویش رحمتی به ما عطا کن؛ تو بسیار بخشاینده‌ای».

موعظه

برادر مسلمانم!

ای کسی که از پروردگارش می‌هراسد! و با یادآوری آن وقتی که برای پس دادن حساب با خدایش روبرو می‌شود لرزه بر اندام می‌گردد! آیا می‌دانی که دوبار رو به روی خدایت می‌ایستی؟! یکی در دنیا و یکی در آخرت. و به اندازه‌ی ثبات و پایداری‌ات در ایستادن دنیا در ایستادن آخرت ثابت قدم خواهی بود؟

ایستادن اول ایستادن شما به نماز است که روبروی خدایت به نماز می‌ایستی. و ایستادن دوم ایستادن روز قیامت برای حساب است. پس آیا عقلاً و یا دیانتاً درست است که مسلمانی که بر دینش حریص است و به آن اهمیت می‌دهد، در بزرگترین عملی که برای آخرت خود ذخیره می‌کند به متشابهات روی آورد و بر گمان‌ها و احتمالات و چنین گفته و چنان گفته‌اند، اعتماد کند.

آیا شایسته نیست که در چنین امر مهمی با تحقیق و دقت کامل عمل کند و از خلال دلایل شرعی محکم و روشن حقیقت دین خود را بشناسد؟ سرانجام یا دوزخ است یا بهشت، و بهای آن جان است. پس چگونه یک فرد عاقل خودش را به خطر می‌اندازد؟ و با دینش قمار می‌کند؟ و این بازی خطرناک برای چیست؟ و این قمار به مصلحت چه کسانی است؟ و حال آنکه وسیله‌های سودبردن تضمینی مورد اتفاق همه می‌باشد و مشخص و آسان‌اند!

اگر مسلمانی هر نماز را سر وقتش بخواند هيچ مسلمانی بر او اعتراض نمی‌کند، و هيچکس به او نمی‌گوید که نمازش باطل است. بلکه برعکس راحت خواهد بود و به صحت نمازش اطمینان خواهد داشت. اما اگر نماز را سر وقت نخواند مطمئن نخواهد بود، بلکه شک و عدم یقین بر او مستولی است. اگر در همین حالت بمیرد و بعد از مرگ برایش روشن شود که کارش اشتباه بوده چه خواهد گفت؟! چرا چنین راه پر خطری را باید انتخاب کرد؟! و حال آن راه حل این مشکل خواندن هر نمازی سر وقت خودش است که خیلی آسان و مورد اتفاق شیعه و سنی است.

آیه دلیل این است که هر نماز تنها خوانده شود نه این که نمازها جمع گردد

اگر کسی در آیه فکر کند خواهد دید که آیه بیانگر این است که هر نمازی جدا در وقت خود خوانده شود، و آیه بر جمع کردن نمازها دلالت نمی‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ غسق اللیل یعنی شدت تاریکی آن. و غاسق یعنی شب تاریک. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾﴾ [الفلق: ۳] «و از شر شب تاریک، آن‌گاه که همه جا را فرا گیرد».

یعنی خداوند بر هر مسلمانی واجب نموده که آخرین نمازش در هر روز هنگام ظلمت شب باشد. یعنی آخرین نماز عشاء است و باید هنگام تاریک شدن خوانده شود نه قبل از تاریکی هوا. اما آنچه در بعضی از مساجد مسلمین مشاهده می‌کنیم این است که نمازها بعد از غروب خورشید قبل از آنکه کاملاً تاریک شود به پایان می‌رسند، و اینگونه نماز مغرب و عشاء را در وقت مغرب قبل از پایان یافتن سرخی افق و قبل از آنکه کاملاً هوا تاریک شود یکجا به صورت جمع می‌خوانند. و این با آنچه آیه می‌گوید که ﴿أَقِمِ

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى
غَسَقِ اللَّيْلِ ﴿﴾ مخالفت است. و مخالفت با فرمان الهی درست نیست.

رسول خدا بهترین مفسر قرآن

خداوند متعال خطاب به پیامبرش ﷺ می‌گوید: ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ [النحل: ۴۴] «(آنان را) با نشانه‌های آشکار و کتاب‌ها (فرستادیم). و قرآن را بر تو نازل کردیم تا شریعتی را که برای ایشان نازل شده برای آنان واضح گردانی».

و می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ [النحل: ۶۴] «و قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه مواردی را که در آن اختلاف نموده‌اند، برای‌شان روشن نمایی».

و بیان و توضیح پیامبر یا با قول ایشان است یا با فعل و یا با تائید ایشان است.

بیانید بگردیم به موضوعی که در مورد آن اختلاف کرده‌ایم، و پرسیم: آیا پیامبر موضوع را بیان نکرده است؟ یا آن را بدون توضیح به صورت مشتبه رها کرده است؟ بله پیامبر با قول و فعل و تائید خویش این موضوع را توضیح داده‌اند. و قول و فعل و تائید پیامبر تفسیر و توضیح قرآن است.

اکنون می‌پرسیم اوقاتی که پیامبر در آن نمازهای فرض را می‌خواند چند وقت بود؟ اگر سه وقت بوده پس قطعاً اوقات نماز سه تا است. اما وقتی که شیعه و سنی اتفاق دارند که رسول خدا پنج نماز را در پنج وقت جدا از هم می‌خواند، آیا برای پایان یافتن اختلاف و فیصله‌ی موضوع کافی نیست؟ چون پیامبر از همه خطاب خداوند را بهتر می‌فهمد و بهتر آن را تفسیر نموده و از همه بهتر به آن عمل کرده است.

پیامبر ﷺ در پنج وقت جدا از هم نماز خوانده است

از جمله اموری که همه مسلمین بر آن اتفاق نظر دارند، این است که پیامبر ﷺ نمازهای پنجگانه را در پنج وقت می‌خوانده است، و در مسجد ایشان روزی پنج بار اذان گفته می‌شده نه روزی سه بار، و ایشان روزی سه بار نماز نمی‌خوانده مگر در حالت‌های استثنائی مانند سفر و بیماری و باران و سردی شدید، و یکبار در روز سه دفعه نماز خوانده که به امتش بیاموزد که به هنگام سختی چنین کنند. و این توضیح و تفسیر عملی بسیار واضح آیاتی است که در این خصوص آمده‌اند.

گمان ما در مورد هر مسلمانی که پیامبرش را تعظیم می‌کند این است که توضیح عملی پیامبر برای فیصله این اختلاف برای او کافی باشد.

پس بیائیم در مساجد خود در حالات عادی پنج نماز بخوانیم، و اگر حالات استثنائی سه بار خوانده شود اشکالی ندارد.

آیا این منطقی و هماهنگ با عقل و نقل نیست؟

خلفای راشدین از آن جمله علی رضی الله عنه روزی پنج بار در پنج وقت جدا از هم نماز می‌خواندند. و از علی رضی الله عنه ثابت نیست که در مسجد کوفه یا در مسجدی دیگر در زمان ایشان روزی فقط سه بار اذان گفته شده باشد.

همچنین مسلمین بعد از علی رضی الله عنه در شرق و غرب روزی پنج بار نماز می‌خوانده‌اند.

خواندن هر نماز در وقت آن به اتفاق همه بهتر است

اگر از هر عالمی که جمع کردن نمازها را جایز می‌داند بپرسی که جمع بهتر است یا افراد و جداخواندن هر نمازی به صورت جداگانه سر وقتش؟ خواهد گفت: افراد و جداخواندن هر نمازی به صورت جداگانه سر وقتش بهتر است، جمع کردن نماز نهایتش این است که جایز است و واجب نیست. بنابراین، کسی که می‌خواهد کار بهتر را انجام دهد و پاداش ببرد کجا برود؟ چون در مساجد اذان گفته نمی‌شود و فقط در سه وقت صبح و ظهر و مغرب باز می‌شوند.

چرا در مساجد پنج بار اذان گفته نمی‌شود، تا کسی که می‌خواهد کار بهتر را انجام دهد بتواند سر وقت نمازش را بخواند؟.

و هر کسی که می‌خواهد نمازها را به صورت جمع بخواند کار خودش را بکند؟ چرا بر عملی که مرجوح است و فضیلت کمتری دارد اصرار می‌ورزیم، و افرادی را که می‌خواهند کار بهتر را انجام دهند از بدست آوردن فضیلت محروم می‌کنیم و اجازه‌ی چنین کاری را به آنها نمی‌دهیم؟!!

کار مباح اگر به افتادن در ورطه‌ی حرام منجر شود حرام است

از مسلمات شرعی است که اگر فعل مستحب (که از مباح بالاتر است) سبب فوت شدن امر واجب شود انجام دادن آن جایز نیست، و گرنه مرتکب حرام می‌شویم. مانند کسی که نماز عصر را نخوانده و وقت عصر هم به آخر رسیده است اگر این فرد به جای خواندن نماز فرض عصر شروع به خواندن نفل کند تا آنکه خورشید غروب کند، یا وقت نماز صبح تنگ باشد و کسی به جای خواندن فرض به نفل مشغول شود تا خورشید طلوع کند. نفل در اصل مستحب است اما خواندن آن در چنین حالتی حرام است، بلکه بدتر است. و آیا عقلاً این درست است که به خاطر آنکه صد تومان سود ببرید هزار تومان ضرر کنید؟! و همچنین جمع کردن نمازها که در بهترین صورت جایز یا مباح است، اما بزرگترین نشانه‌ی تفرقه و تقسیم شدن جامعه به گروه‌ها و دسته‌هاست که هر گروهی نماز خود و مساجد خود را دارد، و این از بزرگترین کارهای حرام است.

چگونه چنین چیزی درست است؟ و گناه این کار را چه کسی به عهده می‌گیرد؟!

فصل دوم:
اوقات پنجگانه در قرآن کریم

اوقات پنجگانه در قرآن کریم

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴿۱۰۳﴾﴾ [النساء: ۱۰۳] «و هنگامی که نماز را به جای آوردید، الله را در حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان یاد کنید. و چون آرامش یافتید، نماز را (به طور کامل) به جا آورید. بی‌گمان نماز در اوقات مشخص و معینی، بر مومنان فرض است.»

یعنی هر نمازی وقت مشخص و معینی دارد، پس وقت صبح غیر از وقت ظهر است و ظهر غیر از عصر است، و همچنین مغرب غیر از عشاء است. شما اگر به دوست خود بگوئید: عصر پیش من بیا، او در همان وقت متعارف و معمول عصر نزد تو خواهد آمد، و هیچگاه بر ذهنش نمی‌آید که هنگام نماز ظهر یا ده دقیقه بعد از آن پیش تو بیاید، همچنین اگر شما بگویی وقت عشاء نزد من بیا به هنگام غروب خورشید نخواهد آمد، و بلکه بعد از آنکه خوب هوا تاریک شود و سرخی افق پنهان گردد خواهد آمد. اگر می‌خواهید آزمایش کنید.

خداوند نمازها را به اسم این اوقات نامیده است و فرمان داده در اوقاتی که نمازها بدان نامیده شده‌اند، ادا گردند. و هنگامی که مشکل جنگ یا سفر یا باران یا بیماری و امثال نباشد، می‌فرماید: ﴿فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ «و چون آرامش یافتید، نماز را (به طور کامل) به جا آورید». یعنی را در اوقات آن با ارکان و شرایط آن بخوانید: ﴿فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا

الصَّلَاةِ ﴿۱۰۱﴾. «بی‌گمان نماز در اوقات مشخص و معینی، بر مومنان فرض است.»

این آیه در سیاق سخنی از ادای نماز در اوضاع اضطراری مانند سفر، یا بیماری یا ترس در میدان جنگ، آمده است. تردیدی نیست که جمع کردن نمازها در چنین شرایطی مطلوب است. و خداوند اذیت‌شدن به سبب باران و بیماری را در ضمن شرایط اضطراری قرار داده و در پایان فرموده است:

﴿فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾

پس خداوند در باره‌ی این موارد می‌فرماید: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿۱۰۲﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَافِيَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذىٌ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۱۰۳﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُوعْدًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿۱۰۴﴾ [النساء: ۱۰۱ - ۱۰۳] «و هنگامی که در زمین سفر می‌کنید، در صورتی که می‌ترسید کافران به شما آسیبی برسانند، گناهی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید. بی‌گمان کافران، دشمن آشکار شما هستند. و هنگامی که در میان‌شان بودی و برای‌شان نماز را برپا

کردی، باید گروهی از آنان سلاح‌هایشان را بردارند و با تو به نماز بایستند و چون سجده کردند، عقب بروند و گروه دیگری که نماز نگزارده‌اند، بیایند و با تو نماز بگزارند و احتیاط نمایند و سلاح‌هایشان را بردارند. کافران آرزو می‌کنند که شما از سلاح‌ها و وسایلتان غافل شوید تا یکباره به شما حمله کنند. اگر بارش باران، آزارتان می‌داد یا بیمار بودید، مانعی ندارد که سلاح‌هایتان را بگذارید؛ ولی به هوش باشید و احتیاط کنید. بی‌گمان الله عذاب خوارکننده‌ای برای کافران آماده کرده است. و هنگامی که نماز را به جای آوردید، الله را در حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان یاد کنید. و چون آرامش یافتید، نماز را (به طور کامل) به جا آورید. بی‌گمان نماز در اوقات مشخص و معینی، بر مومنان فرض است».

چنانکه می‌فرماید: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۹﴾﴾ [البقرة: ۲۳۸ - ۲۳۹] «بر تمام نمازها و به ویژه نماز عصر، پایبند باشید و خاشعانه در پیشگاه الله (به عبادت) بایستید. پس اگر (در میدان جهاد از دشمن) می‌ترسیدید، (باز هم نماز را ترک نکنید) و پیاده یا سواره، نمازها را به جای آورید. و چون احساس امنیت کردید، پس الله را یاد کنید؛ چنانچه الله چیزهایی به شما آموخت که نمی‌دانستید».

این در حالت ترس و خطر است. و این مانند فرموده‌ی خداوند در سوره نساء است: ﴿إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [النساء: ۱۰۱] «اگر ترسیدید که از کافران به شما بلایی برسد».

و فرموده خداوند: ﴿فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ این در حالت امنیت و اطمینان است، چنانکه در سوره

نساء می فرماید: ﴿فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ یعنی وقتی شرایط استثنایی از میان رفتند به همان اصل برگردید که خداوند فرموده: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (۲۳۸).

پس هر کسی در غیر اوضاع اضطراری اوقات نمازها را سه تا کند او بر نماز و اقامه‌اش در اوقات آن محافظت و مداومت نکرده است.

در کتاب نهج البلاغه از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت است که وقتی محمد بن ابوبکر را به عنوان فرماندار / والی مصر مقرر کرد به او نوشت: نماز را در وقتی که برای آن تعیین شده بخوان، و چون بیکار هستی آن را قبل از وقتش نخوان، و همچنین به خاطر کار و گرفتاری آن را بعد از وقتش به تأخیر مینداز، و بدان که هر کاری از کارهایت دنباله‌رو نمازت خواهد بود^(۱).

نام‌های نماز در قرآن

خداوند در قرآن نماز را با چند نام ذکر کرده است:

- گاهی آن را قرآن می نامد، چون در آن قرآن خوانده می شود، چنانکه می فرماید: ﴿وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ یعنی نماز صبح.

- و گاهی نماز را ایمان می نامد چون بزرگترین اعمال ایمان است، چنانکه خداوند سخن یهودیان را که می گفتند نمازی که مسلمانان به سوی بیت المقدس قبل از آنکه کعبه به عنوان قبله تعیین شود ادا کرده‌اند باطل است، رد کرده و می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ

عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ وَعَاقِبَتَهُ وَإِنِ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ [البقرة: ۱۴۳] «و این چنین شما را امتی برگزیده (و میانه-رو) قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد؛ و ما قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها بدین خاطر مقرر نمودیم تا (با تغییر دادنش) پیروان پیامبر را از کسانی که به جاهلیت باز می‌گردند، مشخص کنیم. مسلماً این حکم، دشوار بود مگر بر کسانی که الله هدایتشان کرده است. الله، ایمانتان را ضایع نمی‌گرداند. بی‌گمان الله نسبت به مردم، بخشاینده و مهربان است».

﴿إِيمَانَكُمْ﴾ یعنی نمازهایتان.

و گاهی آن را ذکر می‌نامد، چون بزرگترین ذکر است، چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ [الجمعة: ۹] «ای مؤمنان! هرگاه برای نماز روز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. این، برای شما بهتر است؛ اگر بدانید».

﴿إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ یعنی به سوی نماز.

- و گاهی آن را تسبیح می‌نامد، چون در آن تسبیح زیاد گفته می‌شود، چنانکه می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ﴿٣٦﴾ [النور: ۳۶] «(این چراغ و نورش) در خانه‌هایی (است) که الله اجازه داده ارج داده شوند و نامش در آن‌ها، بامداد و شامگاه یاد گردد».

یعنی آن جاهایی که برای خداوند نماز خوانده می‌شود، چون معقول نیست که گفته شود مقصود از تسبیح این است که مسلمان در اوقات نماز به مسجد بیاید تا بگوید: (سبحان الله) و بعد از مسجد بیرون برود، بلکه مساجد برای آن است که در آن نماز خوانده شود، از این رو بعد از آن گفته است: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ﴾ [النور: ۳۷] «مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز غافل نمی‌کند».

و بعد از آن خداوند از تسبیح و نماز همه مخلوقات می‌گوید: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [النور: ۴۱] «آیا ندیدی که همه‌ی موجودات آسمان‌ها و زمین و نیز پرندگان بال‌گشوده، الله را به پاکی یاد می‌کنند؛ هر یک روش دعا و تسبیح خویش را فراگرفته است. و الله به آنچه انجام می‌دهند، داناست».

کلینی در روایتی که از ابو عبدالله نقل می‌کند به این تصریح می‌کند و می‌گوید: (وقتی خورشید زوال شود وقت ظهر فرا می‌رسد، اما قبل از آن نماز نفلی هست و آن بستگی به خود شما دارد اگر بخواهی طولانی‌اش کنی یا بخواهی کوتاه بخوانی)^(۱).

و گاهی خداوند در قرآن نماز را دعا می‌نامد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعَشيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا

وَأَتَّبِعْ هَوْنَهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا ﴿٢٨﴾ [الكهف: ٢٨] «خودت را با کسانی شکیبا مدار که صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که رضای او را می‌جویند و در طلب زیور زندگی دنیا دیدگانت را از آنان مگردان و از کسی پیروی مکن که دلش را از یادمان غافل نموده‌ایم و او از خواسته‌ی نفس خویش پیروی نموده و کارش، زیاده‌روی و تبهکاری بوده است.»
و اینگونه خداوند با کلمات و صیغه‌های مختلفی نماز را بیان کرده است.

وقت نماز عصر

آیات زیادی در مورد آن آمده است:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ ﴿٢٣٨﴾ [البقرة: ٢٣٨].

وسط در لغت به چیزی گفته می‌شود که دو طرف آن برابر است، و اعداد (۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵) وسط آن عدد ۳ است، و نماز عصر نماز شماره سه و در بین دو طرف مساوی قرار دارد، طرف اول نماز صبح و ظهر و طرف دوم مغرب و عشاء است. مانند انگشتان یک دست، انگشت وسطی شماره سه است و بین دو طرف مساوی قرار دارد، از یک طرف سبابه و ابهام قرار دارد و از طرف دیگر آن خنصر و بنصر.

نماز صبح و ظهر - عصر - مغرب و عشاء

این تفسیر به دلیل آنچه پیش‌تر گفتیم راجح است و دلیل دیگر ترجیح آن احادیث صحیحی است که در تأیید این تفسیر از پیامبر ﷺ نقل شده است. و روایت‌های زیادی نیز در منابع شیعه در تأیید این تفسیر ذکر شده. پس این قوی‌ترین تفسیر (وسطی) است.

امام بخاری و امام مسلم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده‌اند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله روز غزوه‌ی احزاب فرمود: «خداوند قبرها و خانه‌هایشان را آکنده از آتش کند ما را از نماز وسطی مشغول کردند تا اینکه خورشید غروب کرد» (و نماز از دست رفت) ^(۱).

و ابن مسعود می‌گوید: «مشرکین مانع از این شدند که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز عصر را بخواند تا اینکه خورشید به زردی و قرمزی گرائید، آنگاه پیامبر فرمود: ما را از خواندن نماز وسطی نماز عصر بازداشتند، خداوند شکم‌ها و قبرهایشان را پر از آتش کند» ^(۲).

و ابن بابویه قمی از محمد باقر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: در بعضی قرائت‌ها آمده: «حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی (صلوة العصر) وقوموا لله قانتین (فی صلاة العصر)» ^(۳).

و قمی از حسن بن علی رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: «نماز عصر از محبوب‌ترین نمازها نزد خداوند است و مرا توصیه نموده که از بین نمازها از آن محافظت کنم» ^(۴).

و این دلالت می‌نماید که صلوة الوسطی نماز عصر است.

نماز عصر همراه با نماز صبح ذکر شده است

خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَ

۱- صحیح بخاری ۲۷۷۳ و صحیح مسلم ۲۰۲، ۶۲۷.

۲- صحیح مسلم ۶۲۸.

۳- من لایحضره الفقیه ۱/ ۱۹۶ و کلینی در فروع الکافی ۳ / ۲۷۱.

۴- من لایحضره الفقیه ۱ / ۱۳۷.

يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ [النور: ۳۶-۳۷] «(این چراغ و نورش) در خانه‌هایی (است) که الله اجازه داده ارج داده شوند و نامش در آنها، بامداد و شامگاه یاد گردد. مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و دادن زکات باز نمی‌دارد و از روزی بیم دارند که دل‌ها و دیده‌ها در آن مضطرب می‌شوند».

﴿الْأَصَالِ﴾ ﴿الْأَصَالِ﴾ جمع اصیل است و به وقت عصر تا مغرب گفته می‌شود^(۱).

و معلوم است که وقت اصیل چند ساعت بعد از ظهر فرا می‌رسد پس هر کسی نماز عصر را به هنگام ظهر بخواند از کسانی نیست که نماز را در صبح و شام برپا می‌دارد.

و این دو وقت در چند جا در قرآن کریم در کنار هم ذکر شده‌اند، از آن جمله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ [الأحزاب: ۴۱-۴۲] «ای مؤمنان! الله را بسیار یاد کنید. و صبح و شام او را به پاکی یاد نمایید».

پس هر کسی نماز را در وقت اصیل بخواند از کسانی به شمار نمی‌آید که فرمان الهی را جامه‌ی عمل پوشانده و خداوند را به کثرت یاد کرده است، این صفت منافقانی است که خداوند در بارهٔ آنان می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ [النساء: ۱۴۲]

«منافقان (به پندار خود) الله را می‌فریبند؛ و الله، کیفر نیرنگ‌شان را به خودشان باز می‌گرداند. و هنگامی که به نماز می‌ایستند، از روی تنبلی (به نماز) می‌ایستند و در برابر مردم ریا و خودنمایی می‌کنند و الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

و می‌فرماید: ﴿وَأذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥٠﴾ [الإنسان: ۲۵]

«و نام پروردگارت را صبح و شام یاد کن».

و می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلُّهُمْ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ ﴿٥١﴾﴾ «و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خواسته و ناخواسته و نیز سایه‌هایشان بامداد و شامگاه برای الله سجده می‌کنند».

پس ای مسلمان! شایسته‌ی تو نیست که در این وقت خجسته از همه خلق باز بمانی و مانند آن برای پروردگارت سجده نبری.

و قبل از غروب

خداوند در چند جا از قرآن وقت را به صورت مشخص و دقیق بیان کرده که وقت عصر قبل از غروب است نه اینکه وقت عصر وقت ظهر یا چند دقیقه بعد از ظهر است، از آن جمله اینکه می‌فرماید: ﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾﴾ [ق: ۳۹] «پس در برابر سخنان‌شان شکبیا باش و پروردگارت را پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب، با حمد و ستایش به پاکی یاد کن».

و تردیدی نیست که این دو وقت (قبل از طلوع خورشید) و (قبل از غروب آن) وقت نماز صبح و نماز عصر است.

پس نماز قبل از غروب کجا و کسی که عصر را در وقت ظهر می‌خواند

کجا؟

و آیا ما می‌توانیم کلمه قبل از غروب را بر وقت ظهر اطلاق کنیم؟
یا بگوئیم منظور از (قبل الغروب) وقت ظهر است؟

تخصیص وقت عصر و صبح به قسم

خداوند فقط به این دو وقت در قرآن قسم خورده است، و این به خاطر اهمیت این دو وقت است، چون در این وقت ملائکه‌ی شب و ملائکه‌ی روز جمع می‌شوند، و در غیر از این دو وقت جمع نمی‌شوند چنانکه از پیامبر ﷺ روایت شده است.

و از جمله تعظیم این دو وقت اقامه‌ی نماز در این دو وقت است. پس چگونه ما می‌کوشیم نماز ظهر را سر وقت آن بخوانیم اما عصر را سر وقتش نمی‌خوانیم؟ عصری که خداوند به آن قسم خورده و فرموده: ﴿وَالْعَصْرِ ۝۱﴾ [العصر: ۱-۲].
و یکی از سوره‌های قرآن عصر نامیده شده است.

و همچنین خداوند به وقت صبح سوگند خورده و می‌فرماید: ﴿وَالْفَجْرِ ۝۱﴾ و ﴿وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝۲﴾ [الفجر: ۱-۲] و یک سوره را فجر نامیده است.
پس چرا با این همه تاکید بر وقت عصر ما اینگونه در ادای آن کوتاهی می‌ورزیم؟!

چرا همواره به دنبال عذر و بهانه‌هایی هستیم که اوهام و شبهاتی بیش نیست؟

وقت (عشی) یعنی وقت عصر

و خداوند با اسمی دیگر نیز عصر را ذکر کرده که همان (عشی) است و همچنین آن را همراه با وقت صبح ذکر کرده است.

خداوند در جایی که پیامبر را به گرامیداشت کسانی که پروردگارش را در این وقت می‌خوانند فرمان می‌دهد وقت عصر را عشی نامیده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ [الكهف: ۲۸]

«خودت را با کسانی شکیبا بدار که صبح و شام پروردگارش را می‌خوانند در حالی که رضای او را می‌جویند، و در طلب زیور زندگی دنیا دیدگانت را از آنان مگردان و از کسی پیروی مکن که دلش را از یادمان غافل نموده‌ایم و او از خواسته‌ی نفس خویش پیروی نموده و کارش، زیاده‌روی و تبهکاری بوده است.»

و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ [الأنعام: ۵۲].

خداوند پیامبران را به خواندن نماز صبح و عصر فرمان می‌دهد

خداوند خطاب به پیامبرش زکریا علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [آل عمران: ۴۱].

و خطاب به موسی علیه السلام می‌گوید: ﴿فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ

لِدُنْيِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [المؤمن: ۵۵].

و این دلیلی است بر خصوصیت این دو وقت و اینکه خداوند به نمازخواندن در این دو وقت تشویق نموده است.

قرآن بیان می‌کند که مقصود از عشی چیست

بعضی نمی‌دانند مقصود از وقت عشی چیست یا گمان می‌برند که منظور وقت عشاء است. اما اگر به قرآن مراجعه شود - و بهترین مفسر قرآن خود قرآن است - خواهید دید که قرآن دقیق تعیین می‌کند که عشی همان وقت عصر است: خداوند متعال از پیامبرش سلیمان سخن می‌گوید و می‌فرماید:

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿۳۰﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿۳۱﴾﴾ [ص: ۳۰ - ۳۱] «و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه بنده‌ی خوبی! به‌راستی که او توبه‌کار بود. زمانی (را یاد کن) که در پایان روز اسب‌های تیزرو را بر او عرضه کردند».

اگر گفته شود مقصود از کلمه‌ی (عشی) غیر از عصر وقتی دیگر است، درست نیست، چون اسب‌ها به هنگام ظهر و یا بعد از غروب خورشید نمایانده نمی‌شوند، و بلکه هنگام عصر بهترین وقت برای نمایش اسب‌ها و تاختن آن‌هاست، از این رو بعد از آن خداوند می‌فرماید: ﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ﴾ [ص: ۳۲].

یعنی تا اینکه خورشید پنهان شد، پس نمایاندن اسب‌ها از عصر تا غروب خورشید ادامه یافت.

و در این مورد ابن بابویه قمی از جعفر صادق ع روایت می‌کند که گفت: روزی به هنگام عصر اسب‌ها به سلیمان بن داود نمایانده شد او به نگاه کردن به اسب‌ها مشغول شد تا اینکه خورشید غروب کرد، آنگاه به ملائکه گفت: خورشید را برگردانید تا نماز را در وقتش بخوانم^(۱).

و خداوند متعال در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿فَسَبِّحْنَا اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۷﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۸﴾﴾ [الروم: ۱۷ - ۱۸] «پس الله را به پاکی یاد نمایید آن‌گاه که شب را آغاز می‌کنید و آن‌گاه که شب را به صبح می‌رسانید. و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین و نیز در پایان روز و آن‌گاه که به نیم‌روز می‌رسید، از آن اوست.»

﴿حِينَ تُمْسُونَ﴾ (مغرب و عشاء)، و ﴿حِينَ تُصْبِحُونَ﴾ صبح، ﴿حِينَ تُظْهِرُونَ﴾ ظهر، فقط باقی می‌ماند عصر که خداوند آن را با کلمه ﴿عَشِيًّا﴾ تعبیر فرموده است. پس مقصود خداوند هنگامی که کلمه‌ی (عشی) را بیان می‌کند وقت عصر است.

وقت نماز عشاء

وقت نماز عشاء که خداوند در قرآن تعیین کرده است بعد از غیاب سرخی افق و آمدن تاریکی شب است، و وقت عشاء بعد از خواندن نماز مغرب نیست.

در این مورد خداوند می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ [الإسراء: ۷۸].

﴿غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ یعنی آنگاه که تاریکی شب شدت می‌گیرد.

و چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾﴾ [الفلق: ۳].

یعنی از شر شب آنگاه که تاریکی آن همه چیز را فرا می‌گیرد، و مناسب‌ترین وقت برای پدیدآمدن شرّ و بدی است چون پرهیز از آن سخت و مشکل است.

پس شب تاریک نمی‌شود، مگر بعد از آنکه سرخی غروب از بین برود، پس هر کسی قبل از تاریکی شب نماز عشاء را خواند او نماز عشاء را آنگونه که خداوند دستور داده نخوانده است.

و در این مورد کلینی از جعفر صادق ع روایت می‌کند که گفت: وقت عشاء بعد از پنهان شدن شفق تا یک سوم شب است»^(۱).

و همچنین کلینی از جعفر صادق روایت می‌کند که فردی از او پرسید: نماز عشاء چه وقت واجب می‌شود؟ گفت: آنگاه که سرخی غروب از افق پنهان می‌گردد^(۲).

و همچنین محمد باقر از پیامبر روایت می‌کند که فرمود: اگر امت من دچار سختی و مشقت نمی‌شدند نماز عشاء را تا یک سوم شب - و در روایتی - تا نیمه‌ی شب به تاخیر می‌انداختم^(۳).

و شریف رضی از امیرالمؤمنین علی روایت می‌کند که ایشان در فرمانی که به فرماندارانش نوشت در آن مرقوم فرموده که ... (و نماز عشاء را از وقتی که سرخی غروب پنهان می‌شود تا یک سوم شب در این وقت بخوان)^(۴).

آیه‌ی استئذان

و از جمله آیاتی که وقت عشاء را تعیین کرده است، آیه‌ی ذیل است که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ

۱- فروع الکافی ۳ / ۲۷۹.

۲- فروع الکافی ۳ / ۲۸۱.

۳- فروع الکافی ۳ / ۲۸۱.

۴- نهج البلاغة ۳ / ۸۳.

أَيْمُنُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصْعُونَ فِي آبَابِكُمْ مِّنَ الظُّهَيْرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۸﴾ [النور: ۵۸]

«ای مؤمنان! بردگان و کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، (هنگام ورود به اتاقتان) باید در سه وقت از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح؛ و هنگام (استراحت) نیم‌روز که لباس‌هایتان را در می‌آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت، هنگام خلوت شماست. و پس از این سه وقت هیچ گناهی بر شما و آنان نیست؛ چرا که پیرامون شما در رفت و آمدند و نزد یکدیگر رفت و آمد دارید. بدین‌سان الله آیه‌ها (ی خویشتن) را برایتان بیان می‌کند. و الله دانای حکیم است.»

علت تخصیص این اوقات به اجازه‌گرفتن این است که اغلب در همین سه وقت مردم با خانواده‌شان تنها خواهند بود و لباس‌ها را در می‌آورند.

و از آنجا که خدمتگزاران و کودکانی که نیاز است بیایند و بروند و هر بار اجازه‌گرفتن در هر ورود و خروجی خسته‌کننده است، خداوند اجازه داده که آنان بدون اجازه وارد شوند به جز در این سه وقت که باید اجازه بگیرند.

بدون شک مسلمان بعد از غروب خورشید بلافاصله لباس‌هایش را بیرون نمی‌آورد و با همسرش به رختخواب نمی‌رود، بلکه بعد از آنکه هوا تاریک می‌شود چنین می‌کند و حداقل آن همین است که سرخی غروب تمام شود، اما قبل از تمام‌شدن سرخی افق در غروب معمولاً کسی نمی‌خوابد.

این یعنی وقت نماز عشاء بعد از تاریک‌شدن کامل هواست، چون وقتی است که بعد از آن دیگر مردم به رختخواب‌هایشان می‌روند، و مردم بلافاصله بعد از غروب خورشید نمی‌خوابند. پس فرموده الهی که: ﴿وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ

﴿الْعِشَاءِ﴾ [النور: ۵۸] تعیین وقت عشاء است که حداقل آن بعد از تمام شدن سرخی غروب و شدت گرفتن تاریکی می باشد.

و در ساعتی از شب

و از جمله دلایلی که می گوید وقت عشاء زمانی است که هوا کاملاً تاریک می شود، فرموده ی الهی است که می فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِّنَ اللَّيْلِ﴾ [هود: ۱۱۴].

و ابن بابویه قمی از زراره بن اعین روایت می کند که گفت: به محمد باقر علیه السلام گفتم: از نمازهایی که خداوند فرض کرده مرا باخبر کن؟ گفت: پنج نماز در هر شب و روز فرض کرده است. گفتم: آیا این نمازها را در کتاب خود نامیده و بیان کرده است؟ گفت: بله. خداوند متعال به پیامبرش می فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ ﴿لِدُلُوكِ الشَّمْسِ﴾ یعنی زوال خورشید. و بین زوال خورشید تا تاریکی شب چهار نماز است که خداوند آن را نام برده و وقتشان را ذکر کرده است. و ﴿غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ یعنی نیمه ی شب. سپس گفت: ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ این شد نماز پنجگانه. و همچنین در این باره می فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ﴾ دو سوی روز مغرب و صبح است. ﴿وَرُفُلًا مِّنَ اللَّيْلِ﴾ نماز عشاء است.

فصل سوم:

رسول خدا ﷺ و تعیین اوقات نماز

رسول الله ﷺ و تعیین اوقات

اکنون احادیث صحیحی که در این مورد از پیامبر ﷺ نقل شده را با آیات قرآنی که در صفحات گذشته از آن سخن گفته شد، مقایسه می‌کنیم، تا روشن شود که آیات و احادیث کاملاً هماهنگ است: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲] «اگر قرآن از نزد غیر الله بود، بطور قطع در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

امام مسلم از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمود:
(وقت ظهر به هنگام زوال خورشید تا وقتی که سایه‌ی فرد به اندازه‌ی طول خودش باشد تا هنگامی که عصر فرا نرسیده است.

و وقت عصر تا زمانی است که خورشید به زردی نگرانیده است.

و وقت مغرب تا وقتی است که سرخی غروب پنهان نشده است.

و وقت عشاء تا نیمه‌ی شب ادامه دارد.

و وقت نماز صبح از بامداد تا طلوع خورشید است)^(۱).

و همچنین امام مسلم از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمود: (هرکس قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن نماز بخواند هرگز به دوزخ نمی‌رود)^(۲).
یعنی نماز صبح و عصر.

و مسلم از ابی بصره غفاری روایت می‌کند که گفت: «پیامبر ﷺ نماز عصر را خواند و گفت: این نماز بر کسانی که پیش از شما بودند عرضه

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۶۱۲.

۲- صحیح مسلم، ح ۶۳۴.

گردید آنان این نماز را ضایع کردند، هر کسی بر آن محافظت نماید پاداشش دو بار به او می‌رسد»^(۱).

این حدیث را با آنچه قمی از حسن بن علی روایت کرده مقایسه کنید، قمی روایت می‌کند که حسن بن علی رضی الله عنه گفت: (و اما نماز عصر ... از محبوب‌ترین نمازها به درگاه خداوند است، و خداوند مرا توصیه نموده که از بین نمازها بر آن مواظبت نمایم)^(۲).

و امام مسلم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: مشرکین رسول خدا را از خواندن نماز عصر بازداشتند، تا آنکه خورشید سرخ یا زرد شد، آنگاه رسول خدا فرمود: ما را از نماز وسطی به خود مشغول کردند خداوند شکم‌ها و قبرهایشان را پُر از آتش کند)^(۳).

— و امام بخاری و امام مسلم از عبدالله بن عمر روایت می‌کنند که رسول خدا فرمود: (هرکسی که نماز عصر او فوت شد، گویا خانواده و مالش را از دست داد)^(۴).

— و امام بخاری و امام مسلم از انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: و فرد (بعد از ادای نماز عصر) به عوالی (قریه‌های اطراف) می‌رفت و می‌آمد و هنوز خورشید بلند بود، و بعضی از قریه‌های اطراف در فاصله‌ی چهار مایلی مدینه قرار دارند)^(۵).

۱- صحیح مسلم، ح ۸۳۰.

۲- من لایحضره الفقیه ۱/ ۲۱۳.

۳- صحیح مسلم، ح ۶۲۸.

۴- صحیح بخاری، ح ۵۲۷ و صحیح مسلم، ح ۶۲۶.

۵- صحیح بخاری، ح ۵۲۵ و صحیح مسلم، ح ۶۲۱.

- و امام بخاری و امام مسلم روایت می‌کنند: (ما در حالی عصر را می‌خواندیم که بعد از نماز فردی از ما به قبا می‌رفت و برمی‌گشت و بازهم خورشید بلند بود)^(۱).
- و امام بخاری و امام مسلم از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که گفت: (پیامبر ﷺ ظهر را به هنگام ظهر می‌خواند و عصر را زمانی که خورشید روشن بود و مغرب را وقتی که زمان آن می‌رسید و عشاء را گاهی به تأخیر می‌انداخت و گاهی زودتر می‌خواند. اگر می‌دید جمع شده‌اند زود می‌خواند و اگر می‌دید دیر کرده‌اند دیرتر می‌خواند و صبح را در حالی که هوا تاریک بود می‌خواند)^(۲).
- و امام بخاری و امام مسلم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده‌اند که گفت: از پیامبر ﷺ پرسیدم: کدام کار برتر و بهتر است؟ فرمود: خواندن نماز در وقت آن، گفتم: سپس چه چیزی؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر، گفتم: بعد از آن چه؟ فرمود: جهاد در راه خدا^(۳).

۱- صحیح بخاری، ح ۵۲۶ و صحیح مسلم، ح ۶۲۱.

۲- صحیح بخاری، ح ۵۳۵ و صحیح مسلم، ح ۶۴۶.

۳- صحیح بخاری، ح ۵۰۴ و صحیح مسلم، ح ۸۵.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و تعیین اوقات نماز

امیرالمؤمنین در نامه‌ای که به والیان شهرها نوشت اوقات نماز را به صورت مشروح توضیح می‌دهد چنانکه در نهج البلاغه آمده است: (نماز ظهر را وقتی بخوانید که سایه‌ی دیوارها به سوی غرب کج می‌شود و عصر را هنگامی بخوانید که خورشید سفید و زنده است و تا غروب می‌توان دو فرسخ راه پیمود. و مغرب را وقتی بخوانید که روزه‌دار افطار می‌کند و حاجی از عرفه به سوی مزدلفه روانه می‌گردد، و عشاء را از وقتی که سرخی غروب تمام می‌شود تا یک سوم شب بخوانید. و صبح را وقتی بخوانید که فرد چهره‌ی کسی را که کنارش هست بشناسد.

در این توضیح وقت هر نمازی کاملاً بیان شده است.

پس وقتی که گفت: نماز ظهر را وقتی بخوانید که سایه‌ی دیوار به سوی غرب کج می‌شود، یعنی وقتی سایه به اندازه‌ی طول هر چیزی رسیده وقت ظهر تمام است، و وقت عصر تا وقتی که خورشید سفید و درخشان است و زرد نشده ادامه دارد، و وقتی خورشید زرد گردد نماز مکروه است مگر برای فردی که مجبور است.

و اینکه گفت: (عشاء را بعد از تمام شدن سرخی غروب تا یک سوم شب بخوانید) دلیل روشنی است که قوت عشاء بعد از پنهان شدن سرخی غروب است.

دکتر موسی موسوی نوه‌ی مرجع دینی شیعی ابوالحسن اصفهانی که یکی از تلاشگران وحدت بین مسلمین بود، و یکی از علمایی بود که از حوزه‌ی علمیه نجف در سال ۱۳۷۱ هـ مدرک اجتهاد و مرجعیت گرفته است

– مطلب ارزشمندی در این مورد بیان داشته که مطالبی را از آن اقتباس نموده و در اینجا بیان می‌دارم:

(اکثریت فقهای شیعه فتوا می‌دهند که خواندن نمازها در اوقات مشخص شده آن مستحب است، اما عملاً نمازها را جمع می‌کنند ... و حال آنکه نمازهای پنجگانه برای اوقات معینی فرض شده و به همان اوقات نامگذاری شده‌اند، پس وقت ظهر غیر از وقت عصر است، و وقت عشاء از لحاظ زمانی با وقت مغرب فرق می‌کند. و تردیدی نیست که در فرض کردن نماز در این اوقات یک حکمت الهی نهفته است و خداوند نماز را ستون دین و از مهم‌ترین شعائر اسلامی قرار داده است و پیامبر ﷺ در مسجدش نماز می‌خواند و همچنین خلفای بعد از ایشان و امام علی و ائمه‌ی شیعه همه نمازها را در وقت آن می‌خواندند. و اگر پیامبر ﷺ یک یا دو بار بدون اینکه مسافر باشد نمازها را به صورت جمع خوانده است. بنابر ضرورتی بوده یا می‌خواسته بیاموزد که چنین کاری جایز است.

اما عمل ایشان این بوده که به اوقات پنجگانه نماز پایبند بوده است. ای کاش می‌دانستم مخالف با اکثریت مسلمین در اوقات نماز چه فایده‌ای دارد، یا اینکه این کاری است که افرادی آن را سنت قرار داده‌اند که می‌خواسته‌اند شیعه را از مظاهر وحدت دور کنند، و سپس فقها و پیشنمازان مساجد دانسته یا ندانسته این سنت و شیوه را در پیش گرفته‌اند. و ما در عمل تصحیح به متحدکردن از ناحیه‌ی تئوری و عملی به صورت برابر اهتمام می‌ورزیم. و رسالت ما این است که می‌خواهیم مظاهر فکری و عملی تفرقه برای همیشه از بین بروند. و این کار زمانی تحقق می‌یابد که ما به دوران رسالت برگردیم و به سنت رسول خدا و به شیوه‌ای که ایشان برای آن بوده‌اند تمسک جوئیم. و باور ندارم که در میان مسلمین فردی باشد که سنت و عمل دیگران را بر سنت و عمل پیامبر ترجیح دهد. و از اینجا

پیشنمازان مساجد شیعه و مردم شیعه را ندا می‌دهیم که به خواندن نمازها در وقت آن پایبند باشند و نمازهای پنجگانه‌ای را که پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در مسجد ایشان در مدینه می‌خواندند نصب العین خود قرار دهند، و از راهی که پیامبر ترسیم نموده منحرف نشوند، چون عزت و کرامت آنان در اقتدا به پیامبر است.

امام علی علیه السلام به فرمانداران شهرها در مورد نماز چنین می‌نویسد:
 (اما بعد نماز ظهر را وقتی بخوانید که سایه‌ی دیوار به سوی غرب کج شود... و عصر را وقتی بخوانید که خورشید سفید و پرنور است، و مغرب هنگامی بخوانید که روزه‌دار افطار می‌کند، و عشاء را از وقتی که که سرخی غروب پنهان می‌شود تا یک سوم شب بخوانید)^(۱).

علت اینکه پیامبر نمازها را به صورت جمع خواند

بسیاری از کسانی که جمع کردن همیشگی بین نمازها را جایز می‌دانند از این استدلال می‌نمایند که رسول خدا در سفر و بیماری و باران و سرمای شدید و یا جنگ نمازها را به صورت جمع خوانده است، و علی علیه السلام نیز چنین کرده است، آنان این چیز را بهانه‌ای قرار داده که در هر حالت نمازها را به صورت جمع بخوانند. ما می‌گوئیم خواندن نمازها به صورت جمع در چنین حالت‌های استثنایی اشکالی ندارد و یکی از این حالت‌ها مشکل و حرج است که اسباب زیادی دارد. وقتی این اسباب نباشند و حالت استثنایی به پایان برسد ما به شیوه‌ای برمی‌گردیم که پیامبر در شرایط عادی به همان شیوه عمل می‌کرده‌اند.

نه از لحاظ عقلی و نه به لحاظ شرعی درست است که ما قضیه را برعکس کنیم و استثناء را قاعده‌ی کلی قرار دهیم و قاعده‌ی کلی را استثناء قرار دهیم یا کاملاً نادیده بگیریم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالت عادی هر نمازی را در وقت آن می‌خواند. و فقط در مورد استثنایی نمازها را جمع می‌کرد. و ما شرعاً موظفیم که از ایشان پیروی کنیم، و ایشان می‌فرماید: (به همان صورتی نماز بخوانید که من می‌خوانم)^(۱).

و اگر برعکس کنیم و بدون عذر نمازها را به صورت جمع بخوانیم و به عنوان مثال می‌گوئیم: امیرالمؤمنین به هنگام جنگ نمازها را جمع کرده است، از پیامبر پیروی نکرده‌ایم و مانند کسی خواهیم بود که همیشه حیوان

خود مرده می‌خورد به دلیلی اینکه خوردن حیوان خود مرده در شرایط اضطراری جایز است.

ما می‌گوئیم اگر در جنگ یا در سفر یا در مشکلی بودی و یا ... نمازت را به صورت جمع بخوان و کسی با شما مخالفت نخواهد کرد، اما وقتی جنگ تمام شد و عذر و سختی برطرف گردید به شیوه‌ای برگرد که امیرالمؤمنین بعد از جنگ به همان شیوه عمل می‌کرده است، یعنی نمازها را سر وقت بخوان.

فصل چهارم:

حقیقتِ قضیه بر اساس منابع ما (آنچه
که از اهل بیت وارد شده است)

حقیقتِ قضیه بر اساس منابع ما

حقیقت آنچه در منابع ما از اهل بیت پیامبر نقل شده، عنوان فصلی است که سید محمد اسکندر یاسری نجفی^(۱) بعد از مطلع شدن از این کتابچه، به رشته‌ی تحریر درآورده است. این فصل مطالب ارزشمندی دارد که به بینش خواننده می‌افزاید و این اعتماد را به خواننده می‌دهد که جمع و متحدکردن مسلمین بر حقائق دین مبین اسلام دور از دسترس نیست، به شرط آنکه با نیّاتی صادقانه و عزمی راستین به دور از تعصب به دنبال حقیقت باشند.

سید محمد یاسری نجفی

اوقاتی که در شریعت برای نماز بیان گردیده در مراجع و اصول مورد اعتماد ما بیان شده است. و اینک بخشی از احادیثی که بر آن دلالت می‌نماید از منابع ذیل ذکر می‌کنیم:

- ۱- الاستبصار اثر شیخ الطائفه فقیه بزرگ شیعه طوسی.
- ۲- فقیه من لا یحضره الفقیه تالیف ابن بابویه قمی.
- ۳- الکافی کلینی.
- ۴- التهذیب طوسی.

۱- ایشان یکی از تلاشگران واقعی در راه تصحیح و اتحاد بین مذاهب مسلمین است. وی در مسجد خود روزی پنج بار اذان می‌گوید و پنج بار نماز می‌خواند مسجدش مسجد خلفاء واقع در محله‌ی الوحده در استان قادسیه عراق است. و معتقد است نماز جمعه واجب است و ایشان نماز جمعه را در مسجد جامع (الرسول) در مرکز استان از ۱۹۹۳م اقامه می‌نماید.

۵- الوافی کاشانی.

۶- بحار الأنوار مجلسی.

و دیگر منابع و اصول معتمدی که وجود دارد آنچه در بالا ذکر شد مهم‌ترین منابع به شمار می‌روند و اینک احادیثی که در آن آمده است:

۱- ۱۴۵ / باب لا تجوز الصلاة فی غیر الوقت - الاستبصار ج ۱.

۸۶۸ - حسین بن عبدالله از چند تن از اصحاب ما با سند خودش از ابی عبدالله علیه السلام روایت می‌کند که گفت: (هرکسی بیرون از وقت نماز بخواند نمازش درست نیست). یعنی هرکس نماز عصر را خارج از وقتش خواند نمازش باطل است و همچنین عشاء و هر نمازی اگر بیرون از وقتش خوانده شود باطل است.

۲- ۱۴۶ / باب أن لكل صلاة وقتین - الاستبصار ج ۱

۷۸۰ / از عبدالله بن سنان روایت است که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می‌گفت: (هر نمازی دو وقت دارد اول وقت بهترین زمان آن است و کسی حق ندارد بدون دلیل نماز را آخر وقت بخواند).
معنی حدیث این است که به عنوان مثال وقت ظهر تقریباً سه و نیم ساعت است (۱۲ تا ۳:۳۰) پس ساعت ۱۲ اول وقت ظهر است و ساعت ۳:۳۰ آخر وقت آن می‌باشد، پس تأخیر نماز ظهر تا ۳:۳۰ بدون عذر و علّت جایز نیست.

۳- ۱۴۷ / باب اول وقت الظهر والعصر - الاستبصار ج ۱ [۹۲۲ /

از ابن وهب از ابی عبدالله علیه السلام روایت است: (جبرئیل علیه السلام آمد و اوقات نماز را مشخص کرد: به هنگام زوال خورشید آمد و ظهر را خواند. سپس وقتی سایه‌ی هرچیزی به اندازه‌ی آن گردید آمد و عصر را خواند. وقتی خورشید غروب کرد آمد و مغرب را خواند، و بعد از پایان یافتن سرخی

خورشید آمد و عشاء را خواند و سپس به هنگام طلوع فجر آمد و نماز صبح را خواند.

سپس روز بعد وقتی آمد که سایه هرچیز به اندازه قامت آن بود، و نماز ظهر را خواند. و سپس وقتی سایه هرچیزی دو برابر آن شد آمد و عصر را خواند، و هنگام غروب خورشید آمد و نماز مغرب را خواند. سپس وقتی آمد که یک سوم شب گذشته بود آنگاه عشاء را خواند، سپس وقتی آمد که صبح روشن گردیده بود آنگاه نماز صبح را خواند. سپس گفت: وقت هر نمازی بین این دو وقت قرار دارد.

و همین حدیث را با همین عبارت و یا با عبارتی نزدیک به این امام بخاری و امام احمد و ترمذی و نسائی روایت کرده‌اند. امام بخاری می‌گوید: در بیان اوقات صحیح‌ترین روایت است^(۱). یعنی این حدیث اوقات نمازهای فرضی را کاملاً و به صورت دقیق توضیح می‌دهد و نیازی بر شرح ندارد و مورد اتفاق همه مسلمین است، پس حجتی است علیه مخالفان.

۹۲۶ از ابراهیم کرخی روایت است که گفت: از ابوالحسن موسی علیه السلام پرسیدم که وقت ظهر چه زمانی فرا می‌رسد؟ گفت: وقتی خورشید زوال می‌شود. گفتم: چه زمانی وقت آن تمام می‌گردد؟ گفت: بعد از آن پس از زوال چهار قدم (یعنی به اندازه‌ی قامت هرچیز) سایه بلند شود، اول وقت ظهر تنگ است. گفتم: وقت عصر چه زمانی فرا می‌رسد. گفت: آخر وقت ظهر وقت عصر است. گفتم: چه زمانی وقت عصر تمام می‌شود؟ گفت: وقت عصر تا غروب خورشید ادامه دارد، و آخر وقت عصر تضييع عصر است. گفتم: اگر نماز ظهر را بعد از آن از زوال خورشید چهار قدم گذشته بخواند آیا نزد تو آن را ادا کرده است؟ گفت: اگر قصدش مخالفت با سنت و وقت

است از او پذیرفته نمی‌شود. پیامبر ﷺ برای نمازهای فرض اوقاتی تعیین کرد، هر کسی از سنتی از سنت‌های پیامبر روی گرداند مانند کسی است که از فرائض الهی روی گردانیده است.

۴- ۸۸۳ از احمد بن عمر از ابی الحسن علیه السلام

می‌گوید: او را از وقت ظهر و عصر پرسیدم؟ گفت: وقت ظهر از زوال خورشید تا وقتی است که سایه به اندازه‌ی قامت هر چیزی شود، و وقت عصر تا وقتی که سایه هر چیز دو برابر شود ادامه دارد.

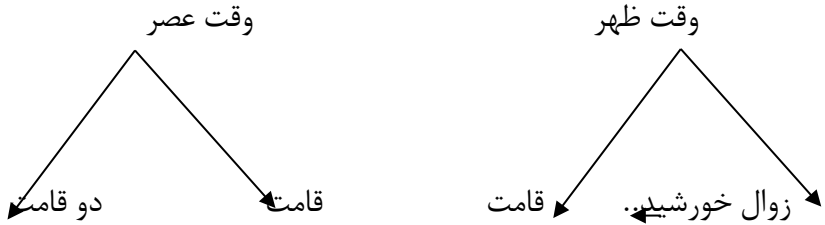
یعنی وقتی بعد از زوال کسی زیر آفتاب ایستاد آخر وقت ظهر زمانی است که سایه فرد به اندازه‌ی قامتش باشد و البته سایه‌ی زوال را باید به آن اضافه کرد، چنانکه در روایت‌های دیگر توضیح داده شده است. و اول وقت عصر از همان وقت آغاز می‌شود. و وقت عصر از زمانی که سایه‌ی هر چیزی به اندازه خودش می‌شود به اضافه سایه‌ی زوال، آغاز می‌گردد و ادامه دارد تا آنکه سایه‌ی هر چیزی دو برابر می‌شود. و این وقت فضیلت است. و اگر عذری باشد تا غروب خورشید وقت عصر ادامه دارد.

پس ملاحظه می‌کنیم که وقت ظهر با سایه تعیین شده و همچنین وقت عصر با سایه تعیین گردیده است.

۵- [۸۹۰] از احمد بن محمد روایت است که گفت: ابا عبدالله را در

مورد وقت ظهر و عصر پرسیدم؟ گفت: وقتی سایه به اندازه‌ی یک قامت باشد ظهر است و اگر یک قامت دیگر بلند شود عصر است.

یعنی اول وقت ظهر از زوال خورشید آغاز می‌شود تا وقتی که سایه‌ی هر چیزی به اندازه‌ی قامت آن شود. و وقت عصر از آخر وقت ظهر که (یک قامت است) آغاز می‌شود تا اینکه سایه به دو قامت می‌رسد. (و این وقت فضیلت است).



۶- [۸۹۱] از زراره روایت است که گفت: (ابا عبدالله علیه السلام) را در مورد وقت نماز ظهر پرسیدم؟ گفت: وقتی سایهات به اندازه خودت باشد وقت ظهر است. و وقتی سایهات دو برابر اندازهات شد وقت عصر است.

یعنی وقت ظهر از زوال خورشید آغاز می‌شود تا وقتی که سایهات به اندازه‌ی خودت می‌شود این وقت ظهر است و بعد از آنکه سایه به اندازه‌ی قامت انسان شد وقت عصر شروع می‌شود تا وقتی که دو برابر قد انسان می‌شود.

۷- [۹۱۷] از محمد بن حکیم روایت است که گفت: (از علی الرضا علیه السلام) شنیدم که می‌گفت: اول وقت ظهر زوال خورشید است و آخر آن وقتی است که سایه به اندازه‌ی قامت انسان می‌رسد. و اول وقت عصر از زمانی است که سایه به اندازه‌ی قامت انسان می‌رسد. و آخر وقت عصر وقتی است که سایه به اندازه‌ی دو قامت می‌رسد. گفتم: در تابستان و زمستان؟ گفت: بله).

در این روایت توضیح ضروری داده شده که قامت از زوال حساب می‌شود یعنی سایه زوال به آن اضافه می‌شود که سایه سال در تابستان و زمستان متفاوت است، پس تعیین وقت به این صورت خواهد بود: (سایه زوال + سایه قامت) قاعده همیشگی است در تابستان و زمستان.

۸- [۹۳۲] از احمد بن محمد از یزید بن خلیفه روایت است که گفت: به ابی عبدالله گفتم: عمر بن حنظله از سوی تو وقتی را برای ما آورده است؟ ابوعبدالله گفت: او بر ما دروغ نمی گوید. گفتم: او می گوید که شما می گویی: اولین وقت نمازی که خداوند بر پیامبرش فرض کرده ظهر است، چنانکه می فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ﴾ بعد از زوال خورشید وقت شروع می شود تا آنکه سایه هر چیزی به اندازه ی قامتش می شود که این آخر وقت است. پس وقتی سایه به اندازه ی قامتی شد وقت عصر وارد می شود، و شما همواره در وقت عصر خواهید بود تا اینکه سایه دوبرابر می شود و این شامگاه است. گفت: راست گفته).

و همین روایت کفایت می کند.

۹- ۱۴۹ باب وقت مغرب و عشاء آخر - الاستبصار ج ۱

۹۲۲ / ابن وهب از ابوعبدالله رضی الله عنه روایت می کند که گفت: جبرئیل رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اوقات نماز را مشخص کرد... سپس وقتی نزد پیامبر آمد که خورشید غروب کرد و به ایشان امر کرد که نماز مغرب را بخواند سپس بعد از پنهان شدن سرخی غروب نزد پیامبر آمد و به ایشان امر کرد که عشاء را بخوانند... سپس فردا نزد ایشان آمد... وقتی آمد که خورشید غروب کرد و به ایشان فرمان داد که ایشان نماز مغرب را خواند و سپس وقتی آمد که یک سوم شب گذشته بود آنگاه عشاء را خوانند... سپس گفت: وقت بین این دو زمان است)

۱۰- [۹۷۳] از زراره روایت است که گفت: (از ابوجعفر شنیدم که نماز

پیامبر صلی الله علیه و آله را حکایت می کرد و می گفت: وقت مغرب زمانی است که

خورشید غروب می‌کند و وقتی سرخی غروب از بین رفت وقت عشاء فرا می‌رسد و آخر وقت عشا تا یک سوم گذشته از شب است. ۱۱-۹۴۳ از ابواسامه الشامام روایت است که گفت: (مردی به ابی عبدالله علیه السلام گفت: مغرب را به تأخیر می‌اندازم تا آنکه ستاره‌ها نمایان می‌گردند؟ امام گفت: خطایه هستی! جبرئیل علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله آموخت که مغرب را وقتی بخواند که قرص خورشید غروب می‌نماید.

۱۲- [۹۵] از اسماعیل بن جابر از ابی عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: (او را از وقت مغرب پرسدم؟ گفت: از غروب خورشید تا پنهان شدن سرخی غروب).

۱۳- [۹۴۰] از عمرو بن ابی نصر روایت است که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که در مورد مغرب می‌گفت: وقتی قرص خورشید پنهان شد وقت نماز و افطار است).

۱۴- ۹۴۲ از علی بن حکم از کسی از باقر یا صادق روایت می‌کند، ذکر شده که گفت: او را از وقت مغرب پرسیدند؟ گفت: وقتی که قرص خورشید پنهان گردید؟ گفتم: چه وقت قرص خورشید پنهان می‌شود؟ گفت: وقتی به آن نگاه کنی و آن را نبینی).

۱۵- [۹۴۴] از عبدالله بن سنان روایت شده که گفت: از اباعبدالله علیه السلام روایت شده که گفت: وقت مغرب زمانی است که آفتاب غروب کند و قرص آن دیده نشود.

۱۶- [۹۴۶] از اباعبدالله علیه السلام روایت است که گفت: (رسول خدا نماز مغرب را وقتی می‌خواند که خورشید غروب می‌کرد و قرص آن پنهان می‌شد).

۱۷- [۹۴۷] از أباعبدالله علیه السلام روایت است که گفت: وقت مغرب زمانی است که خورشید پنهان می شود.

۱۸- [۹۴۹] از ابی عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: (جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر در وقت دوّم مغرب قبل از پنهان شدن سرخی غروب آمد).

۱۹- [۹۷۰] از ذریح روایت است که گفت: (به أباعبدالله علیه السلام گفتم: مردمانی از اصحاب ابی الخطاب مغرب را تا وقتی که انبوه ستارگان نمایان می گردند به تأخیر می اندازند، او گفت: از کسی که قصداً چنین کند، اظهار بیزاری می کنم).

دیدگاه ائمه در مورد کسی که نماز مغرب را با تأخیر

می خواند

همه احادیث گذشته تأکید می کنند که هرکس عملاً نماز مغرب را به تأخیر بیندازد تا آنکه ستاره ها نمایان شوند، با سنت پیامبر ﷺ مخالفت کرده و از خطایه پیروی کرده است. خطایه این بدعت را در کوفه ایجاد کردند، و ائمه از آنان و کارشان اظهار بیزاری کرده اند.

جمع بین نمازها به خاطر عذر

تأخیر نماز یا جمع آن به خاطر عذری مانند سفر و جنگ و ترس و بیماری و یا سختی امری است که از عمل پیامبر و ائمه ثابت است، و خداوند در سوره نساء آیه های ۱۰۱ و ۱۰۲ به آن اشاره کرده است، و اینک احادیثی که در این مورد آمده برایتان بیان می شود:

۱- ۹۶۵ از یزید بن خلیفه روایت است که گفت: به ابی عبدالله علیه السلام

گفتم: عمر بن حنظله از سوی شما وقتی برای ما آورده است.

ابوعبدالله گفت: او بر ما دروغ نمی بندد، گفتم: او می گوید: وقت

مغرب هنگامی است که قرص خورشید پنهان می شود، اما پیامبر

وقتی شتاب داشت مغرب را تأخیر می کرد و با نماز عشاء جمع

می نمود، گفت: راست گفته است. و گفت: وقت عشاء بعد از

پنهان شدن سرخی غروب تا گذشت یک سوم شب است.

ملاحظه کنیم قول امام را که گفت: (إذا جدَّ به السير) یعنی در سفر بود.

و علت تأخیر نماز مغرب و جمع آن با عشاء همین سفر بوده است.

۲- [۹۶۶] از جعفر صادق علیه السلام روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب بارانی نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت و عشاء را زود می‌خواند و اینگونه هردو را باهم جمع می‌کرد و می‌گفت: هرکس رحم نکند بر او رحم نمی‌شود.

۳- [۹۶۷] از حسین بن علی بن یقظین روایت است که گفت: از او (جعفر صادق) در مورد مردی که نماز مغرب فرا می‌رسد و او در راه است پرسیدم که آیا نماز را تا پنهان شدن سرخی غروب به تأخیر بیندازد؟ گفت: در سفر اشکالی ندارد، اما در حضر نه) یعنی در حضر جمع یا تأخیر جایز نیست، مگر آنکه عذر یا علتی باشد.

۴- ۹۸۵ از ابو عبیده روایت است که گفت: (از ابا جعفر شنیدم که می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب‌های تاریک یا بارانی نماز مغرب را می‌خواند و سپس به اندازه‌ای که مردم نفل می‌خواندند مکث می‌کرد و سپس نماز عشاء را می‌خواند و می‌رفتند).

آنچه از این احادیث ثابت می‌شود که تأخیر مغرب و جمع آن با نماز عشاء یا تقدیم عشاء و جمع آن با مغرب جایز نیست، مگر آنکه عذری مانند سفر یا باران یا ترس یا بیماری یا جنگ و یا سختی باشد).

همه احادیث مذکور در این فصل تأکید می‌کنند که وقت نماز مغرب بعد از پنهان شدن قرص خورشید آغاز و با تاریک شدن هوا و از میان رفتن سرخی غروب وقت عشاء فرا می‌رسد.

این احادیث در لابلای کتاب‌ها پراکنده‌اند و از عامه‌ی مردم پنهان شده‌اند و مردم فکر می‌کنند آنچه در مساجد می‌بینند درست است.

و روز به روز این احادیث بیشتر به فراموشی سپرده می‌شود. تا کی؟ چرا این احادیث را بیرون نمی‌آوریم و غبار گذر زمان را از آن دور نمی‌کنیم؟ تا مسلمین بدانند که اختلافی که میان آنهاست ساخته شده و

اصول‌شان یکی است، و آنچه برخلاف این اصول می‌باشد برای ایجاد تفرقه ساخته شده و به دین اضافه گردیده است، و روایت‌های باطلی به ائمه نسبت داده شده که این روایات را دشمنان اسلام از قبیل زندیق‌ها و نژادپرست‌ها به خصوص، اضافه کرده‌اند تا اذهان مسلمین را نسبت به حقائق مشوش نمایند. اما اگر شما این روایات را با مقیاس قرآن و سنت ارزیابی کنی خواهی دید که با قرآن و سنت مخالف‌اند و دلیل باطل بودن‌شان همین است. بلکه با روایت‌هایی که از ائمه نقل شده و موافق قرآن است مخالف هستند، و از جعفر صادق علیه السلام روایت است: (هر حدیثی که با کتاب خدا موافق نباشد مزخرف است. پس مخالفت از دو جهت است از جهتی با قرآن و سنت مخالف‌اند و از جهتی با احادیث ائمه نیز مخالف‌اند. پس چگونه ما دین را براساس این روایات مزخرف برپا می‌داریم!؟

جمع کردن نمازها در منابع اهل سنت

و آقای محمد یاسر نجفی ادامه می دهد و می گوید:

همه می دانند که خداوند متعال وقتی پیامبر را به معراج برد ابتدا برای شان پنجاه نماز فرض نمود، سپس پنجاه تا به پنج تا تقلیل یافت، و خداوند برای هر نماز وقت مشخص تعیین کرده که جایز نیست، مسلمان از آن وقت بیرون رود.

تشریح و مقرر کردن اوقات نماز پنجگانه یک تشریح بزرگ و دقیق الهی است، و معجزه‌ی اسلام این است که اسلام قانونی است که برای تمام انسانیت در هر زمان و مکانی مناسب است، و بازی کردن با این قانون الهی به هیچ وجه جایز نیست، چون بازی با قانون الهی وسیله‌ای است برای از بین بردن معجزه‌ی اسلام و حکم کردن برخلاف آنچه خداوند نازل کرده است. خداوند به توانایی‌های انسان از خود انسان آگاه‌تر است، از این رو خداوند انسان را به انجام چیزی بالاتر از توانایی‌هایش مکلف نمی کند، اما گاهی امری پیش می آید که توانایی انسان را در مضیقه و سختی قرار می دهد، آنگاه خداوند در قانون خود تغییری می آورد که با آن سختی متناسب است، بلکه به هنگام ضرورت‌ها امور ممنوع جایز خواهد بود، مانند خوردن حیوان خود مرده و خوک و نوشیدن شراب که در اصل حرام است، اما به هنگام ضرورت این امور حرام مباح و جایز خواهند بود.

و چون زمان حرج و ضرورت تمام گردید، ما به اصل تحریم باز می گردیم. این‌ها حدود خداوند متعال است. اما کسانی که از حدود تجاوز می کنند و به عنوان مثال بدون ضرورت به بهانه‌ی اینکه به هنگام ضرورت نوشیدن شراب جایز است شراب می نوشند، این خلط کردن مسائل است بلکه اگر کسی آن

را حلال بداند که می‌داند حرام است، این عمل کفر است و انسان را از دایره دین بیرون می‌کند. در مورد نمازهای پنجگانه که ستون دین است و ترک نماز گناهش از شراب‌خواری و زنا بیشتر است و خداوند برای نمازهای پنجگانه اوقاتی تعیین کرده، اما به هنگام ضرورت و سختی بر زبان پیامبر به ما اجازه داده که نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانیم. اما اینکه همیشه نمازها را جمع بخوانیم، بدون از اینکه عذر و مشکلی باشد این قانون ناشناخته ایست که با اسلام مخالف و حرام است. دیوان‌های حدیث اهل سنت همه همین مطلب را تأکید کرده‌اند و فقط یک حدیث از ابن عباس روایت شده که بعضی به سبب آن دچار اشتباه شده و گمان برده‌اند که این حدیث جمع نمازها را بدون عذر جایز می‌داند، چون کسی که حدیث را روایت می‌کند فقط بر یک عبارت بسنده کرده، و با همه عبارتهایی که دارد روایت نمی‌کند و اگر با همه عبارتهایی که آمده روایت شود وهم دور می‌شود.

رسول خدا ﷺ در بیست و سه سال بیش از سی هزار نماز فرض خوانده است، و فقط در مدینه نزدیک به بیست هزار نماز در اوقاتی که خداوند تعیین کرده خواندند، و نمازها را با یکدیگر جمع نکرده مگر وقتی که در سفر بوده یا در بیماری یا عذری از این قبیل عذرها داشته است، پس آیا شرعاً و عقلاً درست است که ما فقط یک حدیث را که در آن آمده که پیامبر فقط یک بار نمازها را جمع کرده - آن هم فرض کنیم بدون عذر - دلیل برای جمع همیشگی نمازها بدون عذر قرار دهیم. چگونه کل زندگی ایشان ﷺ را در نظر نمی‌گیریم و فقط همان یک مورد را مستدل خود قرار می‌دهیم؟! آیا در علتی که به خاطرش آن یکبار نمازها را بدون سفر و باران و ... جمع کرد فکر نمی‌کنیم؟!

تا بین این حدیث و احادیث دیگر هماهنگی ایجاد کنیم،

و حال آنکه قضیه مربوط به بزرگترین رکن دین است.

جواب حدیث ابن عباس رضی الله عنهما

این حدیث در صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن ابوداود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه و مسند امام احمد روایت شده است، هریک با عبارت خود آن را روایت کرده است وقتی همه این عبارتها را جمع کنیم، روشن می‌شود که پیامبر به خاطر مشکلی که پیش آمده بود آن یک بار در مدینه نمازها را جمع کرد و اینگونه این عمل پیامبر با عمل همیشگی ایشان موافق قرار می‌گیرد. و اینک حدیث با کلماتش:

از ابن عباس روایت است:

۱- (پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه در حالی که مقیم بود و مسافر نبود هفت و هشت خواند) یعنی ظهر و عصر را باهم و مغرب و عشاء را باهم خواند. بخاری و احمد، و کلمات مسند احمد است^(۱).

۲- (پیامبر صلی الله علیه و آله ظهر و عصر را باهم و مغرب و عشاء را باهم به صورت جمع خواند بدون ترس و خطر و بدون اینکه در سفر باشد). عبارت مسلم و موطاء مالک^(۲).

ملاحظه کنید در عبارت روایت اول این نفی شد که مشکل و سختی که به خاطر آن نمازها جمع گردید سفر نبود.

و در حدیث دوم سفر و خطر و ترس نفی شده است.

و این به معنای آن نیست که هیچ نوع حالت اضطراری و سختی نبوده است، شاید وضعیت اضطراری دیگری بوده است، و اینگونه ابن عباس کسانی را رد می‌کند که می‌گویند سبب جمع فقط سفر یا سفر و ترس است.

۱- صحیح بخاری، ح ۵۱۸، و مسند امام احمد ۱۹۲۹.

۲- صحیح مسلم، ۷۰۵، و موطاء امام مالک ۳۳۰.

و آنچه این را تائید می‌کند و از دایره‌ی اینکه فقط یک احتمال باشد بیرون می‌کند حدیث ذیل است:

۳- امام بخاری از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر در مدینه هفت و هشت تا خواند: ظهر و عصر را باهم به صورت جمع خواند، و مغرب و عشاء را باهم و به صورت جمع خواند. گفته شد: شاید شبی بارانی بوده است؟ ابن عباس گفت: شاید»^(۱).

این سخن ابن عباس همان حدیث شماره: ۱ است که بخاری و احمد و مسلم و مالک روایت کرده‌اند، اما در اینجا با تفصیل آمده و ابن عباس بیان کرده که ضرورت و مشکلی غیر از ترس و سفر بوده که باران بوده یا احتمالاً باران بوده است.

جمع صوری

حدیث ابن عباس روایات دیگری دارد که آن را بیشتر توضیح می‌دهد و بیان می‌دارد که این جمع به شکل صوری بوده است. جمع صوری یعنی اینکه نماز ظهر تا آخر وقتش تاخیر داده شود و نماز ظهر را در آخر وقت بخواند و بعد از آنکه ظهر را خوانده متصل عصر را در اول وقت عصر بخواند. چنان چه در حدیث زیر آمده است:

نسائی از ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: (در مدینه همراه پیامبر هشت رکعت نماز و هفت رکعت نماز به صورت جمع خواندیم، ایشان صلی الله علیه و آله ظهر را به تأخیر انداخت و عصر را زود خواند و مغرب را به تأخیر انداخت و عشاء را زود خواند)^(۲).

۱- صحیح بخاری، ح ۵۱۸.

۲- سنن نسائی ۵۸۹.

پیامبر ﷺ این جمع صوری را انجام داد تا امت خود را دچار مشکل نکند، یعنی تا امت بداند که اگر در سختی از قبیل سفر و باران و یا در هر سختی دیگری قرار گرفت در چنان شرایطی جمع کردن نمازها جایز است. و این را حدیث بعدی بیشتر توضیح می‌دهد:

امام مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که گفت: پیامبر ظهر و عصر و مغرب و عشاء را بدون ترس و بدون باران جمع کرد. به ابن عباس گفته شد: (منظورش از این کار چه بود؟ فرمود: خواست امتش را در مشکل و سختی قرار ندهد)^(۱).

یعنی هرگاه فردی از امت در شرایطی قرار گرفت که در سختی و مشکل بود می‌تواند نمازها را به صورت صوری جمع کند. اما این سختی و مشکل شرط نیست که حتماً سختی باران یا سفر یا ترس و خطر باشد، بلکه هر نوع مشکلی با توجه به تحول و اختلاف زمان و مکان پیش می‌آید. و این از عظمت اسلام است که نصوص آن خشک و جامد نیست، بلکه نصوص اسلامی نرم و گنجایش‌دار است که هر شرایطی در گستره‌ی آن جای می‌گیرد. پس نص حرج و مشکل را به طور کلی مد نظر قرار داده و آن را به انواع مشخصی از مشکلات منحصر نکرده است، چون ممکن است گذر زمان و یا شرایط انواع دیگری از مشکلات را پدید آورد که در آن زمان نبوده‌اند. و اینگونه دین اسلامی همواره و همیشه همگام با تحولات و دگرگونی‌های زمان پیش می‌رود.

و از جمله احادیثی که حدیث شماره ۱ احمد و بخاری و حدیث شماره ۲ مسلم و مالک را تفسیر می‌کند، روایتی است که بخاری و مسلم آورده‌اند:

از عمرو بن دینار روایت است که گفت: (ای ابا الشعثاء! (راوی حدیث ابن عباس در بخاری و مسلم ش: ۱ و ۲) گمان می‌کنم ظهر را به تأخیر انداخت و عصر را زود خواند، و مغرب را به تأخیر انداخت و عشاء را زود خواند؟ ابوالشعثاء گفت: گمان می‌کنم)^(۱).

این تأیید می‌کند که جمع پیامبر صوری بوده است تا امتش را در سختی و تنگنا قرار ندهد. و برای آنکه یقین شما بیشتر شود حدیث ذیل را بخوانید:

- بخاری و مسلم از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کنند که گفت: «هیچگاه ندیدم که پیامبر نمازی خارج از وقت بخواند مگر دو نماز یکی اینکه مغرب و عشاء را جمع کرد و دوم اینکه نماز صبح را قبل از وقتش خواند»^(۲).

و برای اینکه کاملاً در مورد مسئله مذکور یقین داشته باشیم حدیث ذیل را اضافه می‌کنیم:

نسائی از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که گفت: «در مدینه همراه پیامبر هشت رکعت به صورت جمع و هفت به صورت جمع خواندم، ظهر را به تأخیر انداخت و عصر را زود خواند و مغرب را به تأخیر انداخت و عشاء را زود خواند»^(۳).

و اکنون گوش کن ابن عباس راوی حدیث جمع صوری به هنگام مشکل، چه می‌گوید؟

ابن عباس از پیامبر روایت می‌کند که فرمود: «هرکس بدون آنکه عذری داشته باشد دو نماز را با هم بخواند به باب بزرگی از ابواب گناهان کبیره روی آورده است»^(۴).

۱- صحیح بخاری ح ۱۱۲۰.

۲- بخاری ۱۵۷۰ و مسلم ۲۲۷۰.

۳- نسائی ۳۷۶.

۴- مستدرک حاکم ۱۰۲.

و عائشه رضی الله عنها می گوید: (پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقتی از دنیا رفت دو بار نماز را در وقت دیگر نخواند)^(۱).

اما حدیث ابی امامه که همراه عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه نماز خواند و ... ارتباطی با موضوع مورد نظر ما ندارد، چون در بخاری در (باب وقت صلوة العصر) ذکر شده است و در باب جمع نیامده، پس ارتباطی با جمع نمازها ندارد، همانطور که عمر بن عبدالعزیز نماز ظهر را زمانی می خواند که نیمی از وقت آن گذشته بود، چون عمر بن عبدالعزیز به عنوان خلیفه مشغول امور مسلمین بود و در آن هنگام بلند می شد و نفل می خواند و سپس فرض ظهر را ادا می کرد، و او قرائت طولانی می خواند و ارکان را با تعدیل ادا می نمود و قبل از فرض و بعد از آن نفل می خواند و نفل هایی که بعد از ظهر می خواند وقتی تمام می شد که دیگر وقت نماز عصر نزدیک شده بود. در این وقت ابو امامه به همراه یارانش از مسجد بیرون آمد و به سوی خانه ی انس بن مالک رفت و آنگاه وقت عصر فرا رسید.

عمر بن عبدالعزیز چقدر از وقتش را در نماز گذرانده تا آنکه ابو امامه بعد از او از مسجد بیرون آمده؟ بعد از پایان نماز چقدر در مسجد نشستند؟ چقدر طول کشید تا با پای پیاده به خانه ی انس رفتند؟ مسافت مسجد تا خانه ی انس چقدر است؟

همه این امور توضیح داده نشده است و از عبارت حدیث مشخص نمی باشند. پس چگونه از این حدیث استدلال می شود و ما واضح را رها می کنیم و به مشتبه روی می آوریم؟!

شاید کسی بپرسد: چرا انس نماز عصر را در مسجد با جماعت نخواند؟

پاسخ: ظاهراً او شرایط خاصی داشت که به او اجازه می‌داد نماز را در خانه بخواند.

اما اینکه گفت: (این نماز پیامبر است که با او می‌خواندیم). این به صفت و هیئت نماز از لحاظ قرائت و رکوع و سجده و خشوع اشاره دارد نه به وقت نماز.

حدیث جبرئیل در مورد اوقات مورد اتفاق

از جعفر صادق علیه السلام و از صحابی جلیل جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت است، (چنانکه در کتاب الاستبصار طوسی و الوافی کاشانی و بحار الأنوار مجلسی و مَنْ لا یحضره الفقیه قمی و وسائل الشیعه حرّ عاملی و مستدرک الوسائل نوری طبرسی آمده) و همچنین این حدیث را امام احمد و ترمذی و نسائی روایت کرده‌اند.

(جبرئیل نزد پیامبر آمد و به ایشان گفت: بلند شو نماز بخوان. پیامبر ظهر را وقتی خورشید زوال شد خواند. سپس هنگام عصر جبرئیل آمد و به پیامبر گفت: بلند شو نماز بخوان و پیامبر نماز را وقتی خواند که سایه‌ی هرچیز به اندازه‌ی قامتش بود. و سپس هنگام مغرب آمد و گفت: بلند شو نماز بخوان و ایشان وقتی خورشید غروب کرد نماز مغرب را خواند. و سپس به هنگام عشاء آمد و گفت: بلند شو نماز بخوان و پیامبر بعد از آنکه سرخی غروب پنهان شد، نماز عشاء را خواند. و سپس هنگام صبح آمد و به ایشان گفت: بلند شو نماز بخوان و پیامبر نماز را با طلوع سپیده دم خواند. سپس روز بعد جبرئیل آمد و به پیامبر گفت: بلند شو نماز بخوان و پیامبر نماز ظهر را وقتی خواند که سایه‌ی هرچیزی به اندازه قامتش بود. و سپس هنگام عصر نزد پیامبر آمد و گفت: بلند شو نماز بخوان و ایشان نماز عصر را خواند در حالی که سایه‌ی هرچیزی دوبرابر قامتش بود. و سپس به هنگام مغرب نزد ایشان آمد و گفت: بلند شو نماز بخوان و پیامبر مغرب را در وقتش خواند. و سپس هنگام عشاء وقتی که شب رفته بود آمد و نماز عشاء را خواند. سپس وقتی هوا روشن شده بود آمد و به پیامبر گفت: بلند شو نماز

بخوان و پیامبر نماز صبح را در آن وقت ادا نمود. و سپس جبرئیل به پیامبر گفت: وقت بین این دو زمان قرار دارد^(۱).

و ده‌ها حدیث که مورد اتفاق همه مذاهب است بر این دلالت می‌نمایند که اوقات نماز اوقاتی است که در حدیث اخیر ذکر شده‌اند. و همچنین آنچه در نهج البلاغه جلد سوم ص ۸۳ آمده بر این دلالت می‌نماید که اوقات پنجگانه‌ی نماز همان اوقات معروف است و دلالت می‌نماید که علی علیه السلام نمازهای پنجگانه را در پنج وقت آن می‌خواند. چنانکه در نهج البلاغه می‌گوید:

(اما بعد: ... ظهر را بخوانید تا آنکه خورشید از دیوار به سوی غرب کج می‌شود و عصر را برای مردم بخوانید در حالی که خورشید بلند و نورانی و سفید است... و مغرب را وقتی بخوانید که روزه‌دار افطار می‌کند و عشاء را زمانی بخوانید که سرخی غروب پنهان می‌شود تا گذشت یک سوم شب و صبح را وقتی بخوانید که فرد چهره‌ی کسی را که در کنار اوست بشناسد).

و این‌ها بخشی از احادیث پیامبر است که می‌فرماید:

۱- (پنج نماز است که خداوند فرض گردانیده است، هرکس به خوبی وضوء بگیرد و این نمازها را سر وقت بخواند و رکوع و خشوع در نماز را رعایت کند، خداوند عهد نموده که او را می‌آمزد و هر کسی که نمازها را به این صورت انجام ندهد، خداوند عهدی ندارد اگر بخواهد او را می‌بخشد و اگر بخواهد عذابش می‌کند)^(۲).

۱- مسند امام احمد ۱۴۵۷۸ و ن ک مستدرک الوسائل ۳/ ۱۲۵ و الاستبصار ۱/ ۲۸۵ و

التهدیب ۲/ ۲۵۴ و الوسائل ۴/ ۱۵۸.

۲- ابوداود ح ۴۲۵.

۲- (هرکس بر نمازهای پنجگانه و رکوع و سجده آن و اوقات آن محافظت کند و بداند که این نمازها از سوی خدا واجب شده‌اند وارد بهشت می‌شود)^(۱).

۳- از پیامبر ﷺ پرسیدند: چه کاری بهتر است؟ فرمود: (نماز در وقت آن. سپس گفته شد: بعد از آن چه کاری بهتر است؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر. گفته شد: پس از آن چه؟ فرمود: جهاد در راه خدا)^(۲).

۱- مسند احمد [۸۳۷۱].

۲- صحیح بخاری ۲۷۸۲.

برگردیم به آغاز بحث

و استاد سید محمد یاسری سخنانش را با مطالبی به پایان می‌رساند که در ابتدا با آن حرف‌هایش را آغاز کرده بود، و می‌گوید: نماز خارج از وقت جایز نیست، چنانکه از امام صادق آمده است: هرکس خارج از وقت نماز بخواند نمازش صحیح نیست، و وقت ظهر غیر از وقت عصر است، و همچنین عشاء غیر از مغرب است، پس هر کسی بدون عذر نمازها را جمع بخواند به عنوان مثال عصر را در وقت ظهر و یا ظهر را در وقت عصر بخواند چنین فردی در معرض قرارگرفتن تحت حدیث سابق است.

و باید قول امام علیه السلام را به خاطر داشته باشد که گفت: هیچکس حق ندارد آخر وقت را وقت نماز خود قرار دهد، بدون آنکه عذری داشته باشد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین